

۳
افقسفر غیرمنتظره
چرا لاریجانی به مسکو رفت؟۳
جهانبازی روانی
جنگ روانی ترامپ علیه ایرانیان۴
کافهموش‌ها و آدم‌ها
منصوره اتحادیه

شب‌نامه

تناقض در غرب‌ستیزی
درباره کمپین دیپورتی‌ها به وطن

اصلاح بزرگ



حسن روحانی: ادامه مسیر کنونی نمی‌تواند مشکلات کشور را حل کند و باید به‌جای اصلاحات جزئی به سمت یک تغییر بنیادین رفت. باید با یک اصلاح بزرگ به مردم پاسخ بدهیم. انجام تغییرات جزئی و سطحی، تنها بحران را به تعویق می‌اندازد و ممکن است در فاصله‌ای کوتاه، دوباره کشور را با ناآرامی مواجه کند

گروه سیاسی: در شرایطی که کشور با مجموعه‌ای از بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی مواجه است، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در دیدار جمعی از وزیران و معاونان سابق خود، هم‌پرسی را به‌عنوان راه‌کاری کلیدی برای عبور از وضعیت فعلی مطرح و بر ضرورت انجام یک «اصلاح بزرگ» برای پاسخ به مطالبات مردم تأکید کرد. روحانی همچنین کاهش مشارکت مردم در انتخابات، به‌ویژه حضور ۳۹ درصدی مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر را یکی از جدی‌ترین نشانه‌های گسست میان جامعه و ساختار حکمرانی دانست و تصریح کرد که شنیدن صدای مردم و مراجعه مستقیم به رأی ملت، شرط بازسازی اعتماد عمومی و تقویت قدرت ملی است.

روحانی در این دیدار که روز چهارشنبه ۸ بهمن انجام شد با طرح انتقادهایی صریح به وضعیت حکمرانی، مشارکت سیاسی، سیاست خارجی و شیوه مواجهه با نارضایتی‌های عمومی پرداخت و با اشاره به انباشت نارضایتی‌ها در جامعه، اظهار کرد که ادامه مسیر کنونی نمی‌تواند، مشکلات کشور را حل کند و باید به‌جای اصلاحات جزئی به سمت یک تغییر بنیادین رفت. او با طرح ایده همه‌پرسی پیشنهاد داد: «۸ تا ۱۰ سوال و مسئله مردم را به همه‌پرسی بگذاریم. به مردم بگوییم شما درباره ۸ مسئله از ما گله دارید دو مورد سیاست داخلی هست که برای شما مهم است، دو مورد در سیاست خارجی است، دو مورد در مسائل اجتماعی و فرهنگی است، دو مورد هم در مسائل اقتصادی. نگرانید و این ۸ مسئله مهم است و می‌خواهید حل شود. ما در برابر نظر اکثریت قاطع شما تسلیم هستیم.

ادامه در صفحه ۲

روزنه‌گشایی ارزی

درباره برنامه‌های عبدالناصر همتی
در بانک مرکزی

۶
توسعه

سرمقاله

تکالیف حاکمیت

از امنیتی‌سازی اعتراضات تا ضرورت بازگشایی
باب گفت‌وگوهای اجتماعی



محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

بسیاری از صاحب‌نظران پادقت و نگرانی تلاش می‌کنند به بررسی واکنش و نحوه رفتار حاکمیت در مواجهه با اعتراضات سراسری مردم با تأکید بر رویدادهای دهه اخیر به‌ویژه اعتراضات گسترده در پایان سال ۱۴۰۴ بپردازند.

در طول دهه‌های اخیر، ایران شاهد موج‌های مکرر اعتراضات مردمی بوده است؛ از اعتراضات اقتصادی و معیشتی گرفته تا اعتراضات سیاسی و حقوق بشری. نحوه برخورد حکومت با این اعتراضات، می‌تواند نمایانگر ساختار سیاسی و اولویت‌بندی نظم سیاسی آن باشد. رفتار حکومت را می‌توان در دو سطح عملی «اقدامات امنیتی و قانونی» و «گفتمانی» تحلیل کرد.

در نظریه‌های مطالعات اجتماعی و علوم سیاسی، دولت‌های اقتدارگرا در مواجهه با نارضایتی‌های اجتماعی غالباً دو رویکرد را دنبال می‌کنند: نخست تقویت ابزارهای سرکوب و به‌کارگیری نیروهای امنیتی برای «مهار» اعتراضات. دوم مهار اطلاعات و کنترل روایت‌ها، محدودیت رسانه‌ها و بسته نگه داشتن فضای اطلاع‌رسانی به‌منظور کاهش اثرگذاری اعتراضات بر افکار عمومی.

این دو رویکرد در ایران نیز به‌وضوح قابل مشاهده است و نشانگر اولویت «حفظ ثبات حکومتی» بر «گفت‌وگوی اجتماعی» است. گزارش‌ها نشان می‌دهد، نیروهای امنیتی ایران در فرآیند صیانت از نظم اجتماعی از نیروهای پلیس، سپاه پاسداران و بسیج در مقابله با جریان اغتشاش استفاده کرده‌اند. شمار قابل‌توجهی از معترضان نیز به‌خاطر رفتارهای خشن توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

در جریان اعتراضات و اغتشاشات اخیر، حکومت، اینترنت را به‌طور محدود یا سراسری قطع کرد، اقدامی که تحلیلگران آن را ابزاری برای کنترل اطلاعات و جلوگیری از ارتباطات میان آشوبگران دانسته‌اند. این محدودیت که از ۱۹ دی ماه اجرا شده بود، پس از ۲۰ روز به میزان قابل‌توجهی کاهش یافته است.

از منظر گفتمانی، بنا به تصریح مقامات رسمی کشور با تلاش و دخالت عوامل بیگانه، فضای اعتراض به آشوب و تخریب کشیده شد و خون انبوهی از هموطنان عزیزمان مظلومانه به زمین ریخت. روایت رسمی بیان می‌دارد، در ابتدا برخورد «مدنی» بوده اما با ورود «هسته‌های تروریستی» مسیر اعتراضات تغییر کرده است. چنین روایتی براساس بازپرسی‌های قضایی به صحت گراییده است. استفاده از نیروهای مسلح و اعمال محدودیت‌های ارتباطی ضمن اینکه در کوتاه‌مدت می‌تواند به کنترل اغتشاشات کمک کند اما در بلندمدت باعث تشدید بی‌اعتمادی عمومی به ساختارهای حکومتی می‌شود. در حوادث اخیر نیز هرچند اقدامات مقابله‌جویانه در کوتاه‌مدت موجب فروکش اعتراضات شد، لیکن تداوم آن می‌تواند، تضعیف سرمایه اجتماعی و فاصله گرفتن نیروهای مردمی از حاکمیت را به‌همراه آورد. اعتراضات اجتماعی در ایران معاصر، متأسفانه نه‌تنها رخدادهایی مقطعی بلکه نشانه‌های ساختاری از شکاف میان جامعه و حاکمیت هستند.

اعتراضات مردمی همواره یکی از اشکال بروز نارضایتی اجتماعی در جوامع هستند. در ایران، این اعتراضات طی دهه‌های اخیر از سطح مطالبات اقتصادی فراتر رفته و به عرصه‌های هویتی، سیاسی و فرهنگی کشیده شده‌اند. نحوه مواجهه حکومت با این اعتراضات، بازتاب‌دهنده منطق درونی قدرت و شیوه‌های بازتولید نظم سیاسی است.

ادامه در صفحه ۲



دولت

فقط رضایت مردم مهم است

پزشکیان: هم درد و هم درمان، در رفتار و عملکرد خود ماست

گروه سیاسی: رئیس‌جمهور با تأکید بر لزوم بازنگری

جدی در رفتار مسئولان یا مردم، گفت: «مشکلات امروز جامعه برای این است که به توصیه‌های امام به‌درستی عمل نکردیم و مردم را ندیدیم». پزشکیان، روز گذشته و در آستانه آغاز دهه فجر پس از حضور در حرم مطهر امام خمینی (ره) در سخنانی با اشاره به حوادث و تنش‌های هفته‌های اخیر، گفت: «ایام سختی را پشت سر گذاشتیم؛ بخشی از این مسائل به خود ما مسئولان بازمی‌گردد. هم درد و هم درمان در رفتار و عملکرد خود ماست».

پزشکیان با اشاره به اینکه همواره در سخنرانی‌های خود به دیدگاه‌ها و توصیه‌های امام راحل استناد می‌کند، تأکید کرد که نمی‌تواند از منابع خارجی نقل قول کند چراکه در این صورت به او برچسب «غربزده» زده می‌شود. وی تصریح کرد: «بسیاری از مشکلات امروز کشور، نتیجه فاصله گرفتن از همان اصولی است که امام خمینی (ره) بر آنها تأکید داشت؛ اصولی که در رأس آن توجه به مردم و دیدن آنها به‌عنوان ستون‌های اصلی جامعه قرار دارد». به گفته او، اگر رفتار مسئولان با معیار عدالت و احترام به مردم تنظیم می‌شد، بسیاری از اتفاقات تلخ رخ نمی‌داد.

او با اشاره به آموزه‌های حضرت علی(ع) در نهج‌البلایه، به‌ویژه توصیه‌های ایشان به مالک اشتر، گفت: «در نگاه امیرالمؤمنین(ع)، رضایت عموم مردم اصل اساسی در حکمرانی است و نارضایتی اکثریت با رضایت گرهی خاص جبران نمی‌شود». پزشکیان تأکید کرد که خواص، به‌ویژه در شرایط بحران، گاه پرهزینه و کم‌تحمّل هستند اما این مردم‌اند که در سختی‌ها، پای نظام و کشور می‌ایستند.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه ملاک قضاوت مردم، رفتار و عملکرد مسئولان است نه شعارها، اظهار کرد: «مردم به گفتار ما توجهی ندارند؛ آنها عدالت را در عمل می‌خواهند. ما حق نداریم، حق حتی یک انسان را نادیده بگیریم». او با بیان اینکه نگاه همه ما باید ارائه خدمت به مردم باشد، گفت: «وقتی عموم مردم از ما راضی نباشند، رضایت یک عده خواص سودی نخواهد داشت».

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، تغییر رفتار با مردم را یک ضرورت دانست و گفت: «اگر قرار است در مسیر امام علی(ع) و امام خمینی(ره) حرکت کنیم باید با مردم باشیم، نه در برابر آنها». به باور او، پیش از هرگونه توصیه و دستور به جامعه، مسئولان باید خود را اصلاح کنند و این اصلاح باید در عمل قابل مشاهده باشد. وی افزود: «اگر این تطبیق رخ ندهد با حرف زدن و بحث کردن قابل اصلاح نیست».

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه جامعه‌ای که بر اساس عدالت اداره شود، زمین‌گیر نخواهد شد، تصریح کرد: «در نگاه عادلانه، قومیت‌ها، جنسیت‌ها، نژادها، زبان‌ها و باورها نباید در اقدامات و تصمیمات ما تأثیرگذار باشند و معیار اصلی باید حق و عدالت باشد». وی یادآور شد: «دشمنی هیچ قومی نباید ما و کسانی که ادعای مسلمان بودن می‌کنند را از مسیر برخورد عادلانه منحرف کند و به سمت غیرعادلانه عمل کردن سوق دهد».

وی در ادامه به اعتراضات اخیر اشاره کرد و با بیان اینکه در جریانات اخیر، ترامپ، نتانیاهو و اروپایی‌ها همه به‌دنبال تحریک و ایجاد تفرقه بودند، گفت: «در اعتراضات اجتماعی معمول، اسلحه به دست گرفته نمی‌شود، نیروهای نظامی را نمی‌کشند، آمبولانس و بازار را آتش نمی‌زنند و جان مردم و زیرساخت‌ها هدف قرار نمی‌گیرد». پزشکیان با تفکیک اعتراضات مردمی از اقدامات خشونت‌آمیز، تأکید کرد: «ما وظیفه داریم صدای معترضان را بشنویم، دغدغه‌های آنها را درک کنیم و برای حل مشکلاتشان آماده‌ایم». او افزود که هرچند دشمنان خارجی تلاش کردند از نارضایتی‌ها سوء استفاده کرده و جامعه را دچار تفرقه کنند اما این مسئله مسئولیت دولت در قبال مردم را کاهش نمی‌دهد.

پزشکیان با اشاره به نقش رهبری در خنثی‌سازی توطئه‌ها گفت: «وجود رهبری همواره عامل انسجام و عبور از بحران‌ها بوده است اما این امر نباید باعث غفلت مسئولان از اصلاح رفتار و عملکرد خود شود». او وحدت، عدالت و بازگشت به مردم را مهم‌ترین راهکار عبور از چالش‌های کنونی دانست و تأکید کرد که اجرای واقعی عدالت، بدون دعو و با شاخص‌های روشن امکان‌پذیر است.

ادامه تیتیر یک

اصلاح بزرگ

ما قبول می‌کنیم هرچه شما بگویید. اگر چنین کنیم والله ۹۵ درصد مردم آن زمان اعلام رضایت می‌کنند. بعد هم با فرمان «همه به‌جای خود»، مسیر ما درست می‌شود و ما می‌توانیم از این مشکلات فاصله بگیریم». او با استناد به اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۵۹ بر قانونی بودن و امکان‌پذیری همه‌پرسی تأکید کرد و پرسید که چرا طی دهه‌های گذشته حتی یک بار از این ظرفیت استفاده نشده است. روحانی با انتقاد از رویه‌های جاری گفت که برخی قوانین موجود یا اصول قانون اساسی اجرا نمی‌شوند یا به‌درستی مورد توجه قرار نمی‌گیرند و اصلاح آنها چندان پیچیده نیست.

در ادامه این دیدار، رئیس‌جمهور پیشین با اشاره به اعتراضات اخیر در کشور، تلاش کرد میان اعتراض مدنی مردم و اقدامات خشونت‌آمیز یا تروریستی تفکیک قائل شود. او گفت که هرچند برخورد با تروریسم ضروری است اما نباید ریشه‌های نارضایتی مردم نادیده گرفته شود. به اعتقاد او، اعتراض‌ها از یک مسیر تدریجی آغاز می‌شوند و اگر حاکمیت در مراحل اولیه به خواسته‌های به‌حق مردم پاسخ دهد، جامعه به نقطه انفجار نمی‌رسد.

پیام روشن مردم به حاکمیت

روحانی تأکید کرد که پیام اعتراضات باید شنیده شود و افزود: «مردم باید احساس کنند ما پیام آنها را گرفته‌ایم. هدف باید رضایت مردم باشد. باید با یک اصلاح بزرگ به مردم پاسخ بدهیم». او هشدار داد که انجام تغییرات جزئی و سطحی، تنها بحران را به تعویق می‌اندازد و ممکن است در فاصله‌ای کوتاه دوباره کشور را با ناآرامی مواجه کند. از نگاه روحانی، اعتراضات اخیر، صرف‌نظر از شکل بروز آنها، حامل پیام روشنی از سوی بخش‌هایی از جامعه بوده است و نادیده گرفتن این پیام، به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

رئیس‌جمهور ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع امید بستن برخی از شهروندان به قدرت‌های خارجی پرداخت و گفت: «بعد از ۴۷ سال انقلاب، اگر یک نفر امروز در جمهوری اسلامی ایران امیدش به بیگانه باشد، ما باید شب از ناراحتی و غصه آن بتوانیم بخوابیم؛ حتی یک نفر حالا آن یک نفر را هرچه شما می‌خواهید، اسمش را بگذارید. یک ایرانی بعد از ۴۷ سال جمهوری اسلامی، اگر امیدش به بیگانه باشد، این قابل قبول است برای ما؟ خب معلوم است که ما یک مشکلی داریم. پس منبرهای ما مشکل داشته، پس تریبون‌های ما مشکل داشته، پس صداوسیما‌ی ما مشکل داشته، پس دبستان و دبیرستان ما مشکل داشته، خلاصه یک جای امر مشکل داشته است. اینها همه تربیت شده در جمهوری اسلامی هستند، چرا گذاشتیم جوان ما به این روز برسد؟»

او در ادامه با تأکید بر اینکه هدف نباید صرفاً آرام کردن مردم باشد بلکه باید رضایت پایدار ملت حاصل شود، افزود: «تقویت قدرت نظامی ممکن است طول بکشد، افزایش قدرت اطلاعاتی ممکن است زمان ببرد اما یک چیز آنی است و آن تسلیم در برابر ملت ایران و سر فرود آوردن در برابر ملت ایران است. این یک ثانیه زمان لازم دارد که اعلام کنیم به مردم که کاملاً تابع شما هستیم».

ادامه سرمقاله

تکالیف حاکمیت

اعتراضات در ایران را به لحاظ مفهومی می‌توان در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

- پژوهش‌های جامعه‌شناسختی درباره علل اعتراضات ازجمله: فقر، نابرابری، بحران مشروعیت
 - مطالعات حقوق بشری درباره نقض حقوق معترضان
 - تحلیل‌های سیاسی درباره امنیتی‌سازی اعتراضات
- براساس نظریه‌های سیاسی موجود، اقتدارگرایان در مواجهه با بحران، نوعاً به‌جای مصالحه و گفت‌وگو به ابزارهای قهری متوسل می‌شوند تا انسجام ظاهری نظام حفظ شود.
- بارها دیده شده است، حکومت‌ها با تبدیل یک مسئله اجتماعی به «تهدید امنیتی» امکان استفاده از اقدامات فوق‌العاده را توجیه می‌کنند و اعتراضات بعضاً با برچسب‌هایی چون «فتنه»، «اغتشاش» بازتعریف می‌شوند.
- فوکو، قدرت را نه‌فقط در ابزار سرکوب بلکه در زبان، روایت و حذف معنا، تبیین می‌کند. از این منظر، کنترل روایت اعتراضات

مدیریت تخصص و تجربه عبور از مرز جنگ

روحانی در بخش دیگری از سخنان خود به سیاست خارجی پرداخت و با اشاره به تجربه‌های دولتش در مواجهه با آمریکا، اسرائیل و تنش‌های منطقه‌ای، گفت که مدیریت تخصص با برقراری رابطه تفاوت دارد و می‌توان بدون عقب‌نشینی، تنش‌ها را کنترل کرد. او همچنین با اشاره به مشکلات فعلی سیاست خارجی گفت: «تا ما می‌گوییم باید یک کاری بکنیم، می‌گویند یعنی ما برویم با آمریکا رابطه برقرار کنیم یا در برابر ترامپ تواضع کنیم؟ نه آقا، بحث رابطه نیست، بحث مدیریت است. اگر هم با کشوری تخصص داریم این تخصص را باید کنترل و مدیریت کرد. اگر ما با قدرتی تنش داریم، این تنش را ما باید کنترل کنیم و آن را کاهش بدهیم. نباید بگوییم که هیچ راهی برای کاهش تنش وجود ندارد». او با مرور حوادث سال ۱۳۹۸ ازجمله ماجرای پهباد گلوبال‌هاوک و حمله به تأسیسات آرامکو، تأکید کرد که اگر تدبیر و پیام‌رسانی دیپلماتیک وجود نداشت، کشور می‌توانست وارد یک جنگ ناخوaste شود.

به باور او، شرایط کنونی کشور از جهاتی حتی دشوارتر از سال‌های گذشته است و حمله مستقیم به خاک ایران در جنگ ۱۲ روزه، زنگ خطری جدی محسوب می‌شود. روحانی تأکید کرد که صرفاً نسبت دادن این تحولات به شخصیت‌هایی مانند ترامپ یا تنابهاو، ساده‌سازی مسئله است و باید به ریشه‌های داخلی تضعیف امنیت ملی پرداخت. او با انتقاد از فقدان آسیب‌شناسی شفاف درباره جنگ ۱۲ روزه گفت که ملت ایران پس از ایستادگی در برابر تهدید خارجی، منتظر پاسخ عملی از سوی حاکمیت بوده است؛ پاسخی که صرف تشکر زبانی نمی‌تواند، جای آن را بگیرد. او یادآور شد که مطالبات مردم، مسئله‌ای تازه نیست و از دهه‌های گذشته به‌صورت مزمن انباشته شده است.

ضرورت بازسازی وحدت و سرمایه اجتماعی

روحانی در ادامه، مشارکت پایین در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر را یکی از صریح‌ترین پیام‌های نارضایتی عمومی دانست و گفت: «در مسائل سیاست داخلی مهم‌ترین مسئله این است که یک انتخابات با رونق داشته باشیم که این علامت بزرگی در سیاست داخلی است». او مشارکت ۲۹ درصدی مردم در انتخابات را کافی ندانست و با بیان اینکه «این صدا، صدای رسای مردم بود. ما باید این صدا را بشنویم. شبیه را تغییر بدهیم»، افزود: «چرا مردم پای صندوق نمی‌آیند؟ به دلیل اینکه افرادی که ما کاندیدا می‌کنیم، این آقا



کم می‌کند، آن آقا کم می‌کند. این دستگاه می‌زند، آن دستگاه می‌زند. این می‌گوید صلاحیت، آن می‌گوید احراز صلاحیت. اگر ۲۰ نفر باید در صحنه باشند و مردم در میان آنها یکی را برگزینند، کاری می‌کنیم که ۳ یا ۴ نفر بمانند و بگوییم مردم همین است، همین است دیگر، می‌خواهید یا نمی‌خواهید همین است. خوب یا بد، همین است. خب چرا همین است؟ در همین انتخابات آقای مسعود پزشکیان که امروز رئیس‌جمهور ماست، اگر مداخله رهبری نبود، آیا ایشان می‌توانست در انتخابات شرکت کند؟ نمی‌توانست شرکت کند. ما هر چه آدم خوب و آدم لایق است، همه را یک جوری ردصلاحیت می‌کنیم. به چه دلیل این کار می‌شود؟ چه‌کاره هستیم؟»

از نگاه روحانی، نبود احزاب قدرتمند و نهادهای مستقل نیز به تشدید بحران اعتماد عمومی دامن زده است. او تأکید کرد که در گذشته، نهادهایی مانند حوزه‌های علمیه نقش پناهگاه اجتماعی داشتند اما وابستگی مالی آنها به دولت، استقلال‌شان را تضعیف کرده است. در بخش پایانی سخنانش، رئیس‌جمهور پیشین با ترسیم تصویری از نظم جهانی بی‌رحم امروز، گفت که ایران برای بقا و پیشرفت، چاره‌ای جز قدرتمند شدن ندارد اما این قدرت بیش از هر چیز از رضایت و وحدت ملت نشأت می‌گیرد. او بار دیگر تأکید کرد که «حکومت یعنی نوکر مردم بودن» و بدون تسلیم در برابر خواست اکثریت، نه وحدت ملی شکل می‌گیرد و نه امکان ایستادگی در برابر فشارهای خارجی وجود دارد.

روحانی در پایان با اشاره به فرمان نظامی «همه به‌جای خود» آن را نسخه‌ای برای سامان یافتن کشور دانست و گفت اگر هر نهاد در جایگاه قانونی خود عمل کند و دخالت‌های بی‌مورد پایان یابد، مسیر اصلاح هموار خواهد شد و می‌توان به آینده‌ای بهتر برای ایران امیدوار بود. او تأکید کرد: «ما در برابر قدرت بیگانه، با وحدت و اتحاد و یکپارچگی می‌توانیم بایستیم و این وحدت و اتحاد و یکپارچگی فقط به این است که در برابر مردم تسلیم باشیم. خواست ملت را گوش کنیم. کاری کنیم همه بیایند پای صندوق رأی در انتخابات. دست برداریم از لجبازی در برابر مردم. لجبازی در برابر مردم جواب نمی‌دهد. قوه قضائیه باید کار خودش را انجام بدهد، امنیتی‌ها باید کار خودشان را انجام بدهند، تخریب غلط است، این حرف درست است در برابر تروریسم باید بایستیم درست است، اما می‌گوییم مردم عادی که ناراضی هستند، نگران هستند و اعتراض دارند، علاقه به اسلام و ایران دارند، هم جمهوریت می‌خواهند، هم اسلامیت می‌خواهند، حرف آنها را گوش کنیم».

حق اعتراض همان‌گونه که رهبری بر آن تأکید کرده‌اند، نهفته است. حکومت باید صدای گروه‌های مختلف جامعه، جوانان، زنان، اقوام، منتقدان، نخبگان را بشنود و نشان دهد این صداها در تصمیم‌گیری اثر دارد. وقتی مردم احساس تبعیض یا بی‌عدالتی می‌کنند، انسجام از بین می‌رود. اجرای قانون برای همه بدون استثنا، پایه اعتماد ملی است و هیچگاه نباید مورد بی‌مهری قرار گیرد.

هیچ حکومتی بی‌خطا نیست. شجاعت پذیرش اشتباه و اصلاح آن به‌جای انکار یا مقصر دانستن دیگران، اعتمادساز است. احترام عملی به آزادی‌ها و امنیت روانی و حفظ شأن مردم باعث می‌شود آحاد جامعه، خود را «جزئی از گزاره دولت-ملت» دانسته و حکومت را از آن خود بدانند.

فساد، انسجام را مثل موریانه از درون می‌خورد. شفافیت اقتصادی و پاسخگویی مسئولان، پیام قدرتمندی از امنیت و اعتماد به جامعه می‌دهد. از طریق انتخابات واقعی به‌دور از نظارت‌های یک‌طرفه و ظالمانه، با حضور رسانه‌های آزاد، نهادهای مدنی و امکان نقد بدون ترس، جامعه به پایداری سیاسی فیمابین خود و حاکمیت می‌رسد. انسجام، محصول و برخاسته از مشارکت است و نه اجبار. حکومت به‌جای دو قطبی‌سازی باید روی منافع ملی، رفاه عمومی و امید به آینده بهتر برای همه تأکید کند.

سفر غیرمنتظره

چرا لاریجانی به مسکو رفت؟

گروه بین‌الملل: دیدار روز جمعه علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در کاخ کرملین، به‌عنوان یک نقطه عطف در روابط دو کشور ارزیابی می‌شود. محور اصلی این ملاقات گسترش همکاری‌های دوجانبه، به‌ویژه در حوزه اقتصادی بود اما بررسی ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بخش مهمی از گفت‌وگوها را تشکیل داد. این دیدار در شرایطی انجام شد که تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی با سرعتی بی‌سابقه پیش می‌روند و هماهنگی‌های سیاسی و امنیتی میان تهران و مسکو در حال افزایش است. علی لاریجانی، که نقش برجسته‌ای در سیاست‌های دفاعی، امنیتی و خارجی ایران دارد، پیش از سفر به مسکو با مقام‌های چند کشور منطقه ازجمله لبنان دیدار و درباره مسائل امنیتی و سیاسی گفت‌وگو کرده بود. این سلسله ملاقات‌ها نشان‌دهنده، فعالیت دیپلماتیک فعال ایران در مقطع کنونی و تلاش برای تثبیت موقعیت خود در سطح منطقه‌ای است. هرچند تاکنون هیچ بیانیه رسمی از سوی ایران یا روسیه درباره جزئیات مذاکرات منتشر نشده اما تحلیلگران احتمال می‌دهند که این نشست فراتر از روابط اقتصادی به هماهنگی راهبردی در حوزه‌های امنیتی و بازدارندگی نظامی نیز پرداخته باشد.

زمان‌بندی دیدار اهمیت ویژه‌ای دارد. این ملاقات پس از

تهدیدهای مستقیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، درباره توافق هسته‌ای جدید و همزمان با گزارش‌ها از توافق سه‌جانبه روسیه، ایران و چین انجام شد. این مسئله پیام روشنی به تهران ارسال می‌کند؛ ایران در مواجهه با تهدیدهای احتمالی آمریکا تنها نیست و می‌تواند روی حمایت دیپلماتیک و حتی دسترسی به فناوری‌های دفاعی پیشرفته روسیه حساب باز کند. گفته می‌شود بخش‌هایی از مذاکرات احتمالاً شامل تبادل اطلاعات، سامانه‌های دفاع موشکی و حمایت‌های نظامی است که نشان‌دهنده سطح عمیق اعتماد و هماهنگی راهبردی میان دو کشور است.

علاوه بر مسائل نظامی، گفت‌وگوها احتمالاً به تثبیت حاکمیت داخلی ایران پس از هفته‌ها اعتراضات و ناآرامی‌های داخلی نیز متمرکز بوده است. پوتین این اعتراضات را به‌عنوان «انقلاب‌های رنگی با حمایت خارجی» توصیف کرده و تحلیلگران بر این باورند که دو طرف درباره امنیت سایبری و کنترل داخلی نیز رایزنی کرده‌اند. این همکاری‌های امنیتی داخلی با هماهنگی‌های منطقه‌ای همزمان است. این امر تأکیدی بر این است که مسکو اکنون ثبات ایران را پیش‌شرط دستیابی به اهداف راهبردی خود در سطح جهانی می‌داند و ایران نیز با تکیه بر این حمایت می‌تواند، موقعیت داخلی و منطقه‌ای خود را تقویت کند. دیدار لاریجانی و پوتین در واقع

دیپلماسی

خاورمیانه

مخالفت عربستان با درخواست آمریکا

ریاض حریم هوایی به واشنگتن نمی‌دهد

یک مقام عالی‌رتبه دولتی از یکی از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس به فاکس‌نیوز گفت که با وجود جلسات اخیر مقامات ارشد سعودی در واشنگتن با هدف شفاف‌سازی، «ایالات متحده اهداف یا برنامه‌های مشترکی» در مورد ایران با متحده خلیج‌فارس نداشته است.

به گزارش شبکه خبری فاکس‌نیوز، این مقام مسئول در ادامه گفت: «ما این را به‌عنوان یک دوست گفتیم. می‌خواهیم مطمئن شویم که آنها موضع ما و ارزیابی کلی ما را فهمیدند. ما می‌خواهیم ارزیابی ایالات متحده را با حداکثر شفافیت ممکن درک کنیم. من می‌خواهم شفافیت کامل را دریافت کنم اما به آنجا نرسیدیم». این مقام مسئول در مورد تحرکات نظامی آمریکا برای حمله به ایران گفت: «این طرح چیزی غیر از استفاده از حریم هوایی عربستان سعودی است». این مقام مسئول ادامه داد که حضور آمریکا در عربستان سعودی، به‌ویژه در مورد عملیات «عزم‌راستخ» که کمپین جاری به رهبری آمریکا علیه داعش است، مورد استقبال قرار می‌گیرد. با این حال، موضع عربستان سعودی اکنون با آنچه در طول درگیری ۱۲ روزه بین اسرائیل و ایران در آوریل ۲۰۲۴ بود، «همخوانی» دارد. این مقام مسئول افزود: «عربستان سعودی اجازه نمی‌دهد از حریم هوایی برای هدف قرار دادن اسرائیل، حوثی‌ها و ایران استفاده شود. موضع اکنون نیز همین است. عربستان سعودی اجازه نمی‌دهد از حریم هوایی در جنگی استفاده شود که عربستان سعودی در آن شرکت ندارد». در پی سخنان رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه ایران می‌خواهد به توافق برسد این مقام رسمی خلیج‌فارس همچنین هشدار داد که «ایران همیشه می‌خواهد به توافق برسد اما سوال این است که چه نوع توافقی؟ آیا برای ایالات متحده قابل قبول است؟» این مقام خلیج‌فارس در مورد موفقیت اقدامات آینده ایالات متحده در ایران گفت: «همیشه مشکلی وجود دارد، چه تصمیمی بگیرید و چه نگیرید. در خاورمیانه یک تعادل بین آینده وجود دارد. ما به ایالات متحده توصیه می‌کنیم که در نهایت با استفاده از همه ابزارها، ازجمله ابزارهای دیپلماتیک، نتیجه بهتری حاصل شود و به ایرانی‌ها نیز توصیه می‌کنیم. ما درک می‌کنیم که همه ما یعنی ایالات متحده، ایران و دیگران در این ماجرا سهیم هستیم و امیدواریم نتایج بهتری حاصل شود».



خود، تشدید بی‌سابقه فشار اقتصادی را برای بی‌ثبات‌سازی داخلی هدف‌گذاری کرده است تا در نهایت با حداقل خطا و ریسک با ایرانی رویه‌رو شود که بنیه اقتصادی آن تا حد ممکن تضعیف و فرسوده شده باشد. در چنین فضای تیره و تاری، اگرچه منطق حکم می‌کند که درهای دیپلماسی هرگز به‌طور کامل بسته نشود اما واقعیت‌های میدانی حکایت از آن دارد که شرایط برای نشستن پای میز مذاکره میان ایران و ایالات متحده به‌مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر از ادوار گذشته شده است. نشانه‌ها به‌وضوح حاکی از آن است که نه‌تنها امکان گفت‌وگو سخت‌تر شده بلکه دستورکار پیشنهادی دولت ترامپ نیز تغییرات محسوسی یافته است. اظهارات اخیر و یتکاف درباره چهار محور اصلی مذاکره شامل غنی‌سازی، برنامه موشکی و کاهش موجودی آن، مواد هسته‌ای و نیروهای نیابتی، یک نقطه عطف نگران‌کننده در مواضع واشنگتن است؛ چراکه پیش از این مقامات آمریکایی دست‌کم در تریبون‌های عمومی از وارد کردن مستقیم برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران به متن مذاکرات هسته‌ای پرهیز می‌کردند.

با توجه به این سطح از تنش، بی‌اعتمادی عمیق تاریخی و محدودیت‌های سیاسی در هر دو سو، احتمال دستیابی به یک توافق جامع و پایدار در کوتاه‌مدت بسیار بعید به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر باید توجه داشت که نبود توافق لزوماً به‌معنای آغاز فوری عملیات نظامی از سوی واشنگتن نیست. دونالد ترامپ این توانایی را دارد که بدون شلیک حتی یک گلوله از حضور سنگین نظامی و تهدیدهای ضمنی برخاسته از آن به‌عنوان اهرم فشاری برای اجرای سخت‌گیرانه‌تر تحریم‌ها و انزوای سیاسی تهران بهره ببرد.

با این حال، سرمایه سیاسی ترامپ که تا حد زیادی بر تصویر یک رهبری قاطع و سازش‌ناپذیر استوار است با چالش زمان رویه‌روست؛ تحلیل طولانی‌مدت در فضایی که انتظارات داخلی در آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش بالا رفته، می‌تواند برای او هزینه‌ساز باشد. این خطر زمانی جدی‌تر می‌شود که سابقه و اکش‌های حساب‌شده ایران تا تهدیدهای استراتژیک در تنگه هرمز، نشان می‌دهد که تهران ابزارهای متنوعی برای پاسخ‌های تدریجی و کنترل‌شده در اختیار دارد که می‌تواند، هزینه‌های طرف مقابل را به‌شدت افزایش دهد. در یک نگاه کلی، استراتژی محتمل ترامپ را می‌توان ترکیبی هوشمندانه از فشار حداکثری تحریمی، محاصره دیپلماتیک و تهدید مستمر نظامی دانست؛ راهبردی که هدف بنیادین آن افزایش فشار روانی، اقتصادی و اجتماعی بر بدنه جامعه ایران و تشدید وضعیت تعلیق و نااطمینانی در بازارهاست تا تهران را در موضع ضعف مطلق به پای میز مذاکره بکشانند. حتی در صورتی که ترامپ در نهایت تصمیم به اقدام نظامی بگیرد با توجه به تجربه‌های تلخ و پرهزینه آمریکا در عراق و افغانستان و مخالفت مبنایی او با پروژه‌های پرهزینه تغییر رژیم، بعید است این اقدام ماهیتی گسترده یا هدف سرنگونی داشته باشد. در محتمل‌ترین سناریو ممکن است برخی عملیات‌های محدود و نمادین با اهداف بازدارنده یا پیام‌رسان در دستورکار قرار گیرد. در نهایت به‌نظر نمی‌رسد هدف نهایی ترامپ، سوق دادن ایران به سمت یک فروپاشی کامل باشد چراکه او به خوبی آگاه است چنین وضعیتی می‌تواند، کل منطقه پیرامونی ایران را وارد چرخه‌ای ویرانگر از بی‌ثباتی و تهدیدهای امنیتی غیرقابل کنترل کند که منافع واشنگتن را نیز به خطر خواهد انداخت.



بازی روانی

هدف ترامپ راه‌اندازی یک جنگ روانی با هدف فرسایش سیاسی است

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

پیش از دو هفته از آغاز دور جدید فعالیت‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه و سرازیر شدن بی‌وقفه ادوات پیشرفته نظامی این کشور به آب‌ها و پایگاه‌های همجوار می‌گذرد و همین امر فضای سنگین و به‌شدت متشنجی را بر روابط میان تهران و واشنگتن حاکم کرده است. اگرچه در لایه‌های زیرین این آرایش جنگی، تحرکات دیپلماتیک همچنان به موازات تشدید تنش‌ها در جریان است اما ابهام عمیق و فضای فرسایشی حاکم بر این روند، راه را بر هر گونه پیش‌بینی روشن بسته است. در این اتمسفر غبارآلود، جمهوری اسلامی ایران راهبرد تعامل فشرده با کشورهای منطقه را در دستورکار قرار داده تا از این طریق نه‌تنها تنش‌های محیطی را مدیریت بلکه پیام‌های صریح و مستقیمی نیز به کاخ سفید ارسال کند. در مقابل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، که در موضع‌گیری‌های اخیر خود ظاهراً از پیشنهاد مذاکره استقبال کرده، همچنان با لحنی تند بر تهدید نظامی اصرار می‌ورزد و هرگونه تصمیم قطعی درباره آینده این بحران را به تحولات پیش‌رو واگذار کرده است، رویکردی که نشان از اتخاذ یک جنگ روانی با هدف فرسایش سیاسی است تا با یک انتظار استراتژیک برای شکار فرصت‌ها رود.

به‌نظر می‌رسد واشنگتن در راستای مداخله نظامی با ایران، سیاست موسوم به چماق و هویج را برگزیده است که شباهت‌های انکارناپذیری به الگوی رفتاری این کشور در قبال بحران وزنونلا دارد. از زمان وقوع اعتراضات در ایران و حوادث تلخ مربوط به کشته شدن معترضان در

گزارش: جوایز ادبی

نامزدی اکبرپور

اعلام نامزدهای

جایزهٔ هانس کریستین اندرسن ۲۰۲۶



نامزدهای نهایی جایزهٔ ادبی «هانس کریستین اندرسن» سال ۲۰۲۶ درحالی اعلام شد که نام احمد اکبرپور، نویسندهٔ ایرانی حوزهٔ کودک و نوجوان در این فهرست به‌چشم می‌خورد. دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) نامزدهای نهایی جایزهٔ ادبی «هانس کریستین اندرسن» سال ۲۰۲۶ را در دو بخش نویسندگی و تصویرگری اعلام کرد که احمد اکبرپور از ایران در بخش نویسندگی، یکی از شش نامزد مطرح این دوره است. اکبرپور درحالی به‌عنوان یکی از شناس‌های دریافت این جایزه مختص ادبیات کودک معرفی شده است که در بخش نویسندگان، ماریا خوزه فرادا از شیلی، تیموتی د فامبل از فرانسه، لی گوم پی از کرهٔ جنوبی، پم مونیوس رایان از ایالات متحده آمریکا و مایکل روزن از ایالات متحده آمریکا فهرست نامزدهای نهایی را کامل می‌کنند.

مجلهٔ خبری «پابلیشرز ویکلی» نوشت، همچنین در بخش تصویرگری: بناتریس الماگنا از ایتالیا، لیندا باندسم از فنلاند، کای گائو از چین، گوندگا موزیکاتنه از لتونی، ولید طاهر از مصر و ماریا رنکی از آرژانتین به‌عنوان نامزد دریافت جایزه معرفی شدند.

جایزهٔ ادبی «هانس کریستن اندرسن» هر دو سال به نویسندگان و تصویرگران برتر سراسر جهان اهدا می‌شود تا از فعالیت آن‌ها در حوزه ادبیات کودک تقدیر شود. نامزدهای نهایی فهرست نویسندگان و تصویرگران امسال توسط یک هیأت ۱۰ نفره داوران، از بین ۷۸ نامزد از ۴۴ کشور انتخاب شده‌اند. قرار است دو برندهٔ نهایی در نمایشگاه کتاب کودکان بولونیا در ۱۳ آوریل اعلام شود. تا پیش از اکبرپور، از شورای کتاب کودک ایران، ۷ نفر در بخش‌های نویسندگی و تصویرگری نامزد نهایی جایزهٔ جهانی هانس کریستن آندرسن شده بودند؛ فرشید مثقالی (تصویرگری، ۱۹۷۴)، هوشنگ مرادی کرمانی (نویسندگی، ۱۹۹۲)، محمدرضا یوسفی (نویسندگی، ۲۰۰۰)، نسرين خسروی (تصویرگری، ۲۰۰۲)، محمدعلی بنی‌اسدی (تصویرگری، ۲۰۱۲)، پژمان رحیمی‌زاده (تصویرگری، ۲۰۱۶)، فرهاد حسن‌زاده (نویسندگی، ۲۰۱۸)، فرهاد حسن‌زاده (نویسندگی، ۲۰۲۰). از بین نامزدهای ایرانی تنها فرشید مثقالی در بخش تصویرگری برندهٔ این جایزه شده و هوشنگ مرادی کرمانی مورد تشویق هیأت داوران قرار گرفت. فرهاد حسن‌زاده هم در سال ۲۰۱۸ برندهٔ لوح سیاس این جایزه شد. احمد اکبرپور از چهره‌های فعال و نویسندگان محبوب ادبیات کودک و نوجوان و طنز است که تاکنون در این رشته‌ها به موفقیت‌های قابل‌توجهی دست یافته است. او متولد و ساکن شیراز است، اما به خاطر سخنرانی و برگزاری کارگاه‌های نویسندگی بارها به دیگر شهرهای ایران و نقاط مختلف جهان سفر کرده است، که در نتیجه از چهره‌های شناخته‌شده بین‌المللی ادبیات کودک ایران است. از جمله آثار اکبرپور می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «شب به‌خیر فرمانده»، «واژه‌های نفهم»، «من نوکر بابا نیستم»، «امپراطور کلمات»، «سه سوت جادویی»، «قطار آن شب»، «به چاچالک سقوط کنید»، «کشک‌های خفن»، «زنان و مردانی که ایران را ساخته‌اند: خط‌شکن باغچه‌ها (زندگی جبار باغچه‌بان)»، «دختر دال» «خداحافظ ماه» و «طنزهای توخالی». اکبرپور «غول و دوچرخه» را هم با همکاری دخترش نوشته و برخی از آثارش به دیگر زبان‌ها مانند انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، چینی، کره ای و… نیز ترجمه شده است.

جنگ چهره کودکانه ندارد

«شب به‌خیر فرمانده» از جمله آثار موفق احمد اکبرپور است که به زبان‌های انگلیسی، چینی، کره‌ای و ترکی استانبولی ترجمه و منتشر شده است. این کتاب قصهٔ کودکانی را روایت می‌کند که ناخواسته درگیر جنگ شده‌اند و آتش جنگ، روی زندگی آن‌ها تأثیر گذاشته است. نویسنده داستان را از چشم‌انداز دو کودک تفسیر می‌کند. این داستان که برای شرکت در مسابقهٔ یونیسف نوشته شده بود، ماجرای زندگی کودکی است که مادرش را در بیماران از دست داده، خودش یک پا ندارد و پدرش هم حالا می‌خواهد دوباره ازدواج کند. شخصیت اصلی داستان درصدد انتقام مادرش است. او در اتاقش، بازی می‌کند. موضوع بازی‌اش جنگ است. او با سربازهای دشمن برای گرفتن انتقام می‌جنگد. هنگام حمله به طرف دشمن او و کودکی دیگر در قالب شخصیت دو فرمانده جنگ، باهم رویپرو می‌شوند. وجه‌مشترک هر دو فرمانده این است که هر دو یک پای خود را از دست داده‌اند. باین تفاوت ت آن کودک با عصا راه می‌رود ولی شخصیت اصلی داستان با پای مصنوعی راه می‌رود. در نخستین برخوردشان قصد دارند به‌هم شلیک کنند ولی وقتی شخصیت اصلی داستان پای مصنوعی خود را به فرمانده عصادار قرض می‌دهد، او را هیجان‌زده می‌کند.

در نتیجه باهم دوست می‌شوند و از کشتن یکدیگر صرف‌نظر می‌کنند. در این معنا، این دو کودک به‌فهمی مشترک از رنجی یگانه می‌رسند. آن‌ها با این فهم هم‌سان می‌دانند که جنگ بیشتر، برابر است با رنج بیشتر. پس سرگرم صحبت کردن دربارهٔ وسیله‌ای می‌شوند که از رنج آن‌ها می‌کاهد. اکبرپور در داستانش، زیست جهانی، همراه با لذت بخشش و دوستی را می‌آفریند. به‌نحوی که خواننده با آن ارتباط برقرار کند و از خواندن آن لذت ببرد به‌گونه‌ای که خود را در وضعیت شخصیت‌های داستان ببیند. این کتاب با تصاویر ساده با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. این تصاویر گویای این مطلب است که قربانیان جنگ‌افروزی مستکبران در هر‌جای جهان، کودکان و غیرنظامیان هستند. در این کتاب نویسنده و تصویرگر دست‌به‌دست هم می‌دهند تا کودکان را به دنیای داستان و بزرگسالان را به دنیای کودکی ببرند. این کتاب برندهٔ دیپلم نمایشگاه تصویرگری کتاب کودک بولونیا در سال ۲۰۱۵ و از آثار برگزیده شورای کتاب کودک شده است. «تو شجاعی فرمانده» هم ادامهٔ داستان شب‌به‌خیر فرمانده است؛ داستانی لطیف و معصومانه دربارهٔ مفهوم تغییر و پذیرش آن در زندگی که صلح و دوستی را ترویج می‌کند و به کودکان نشان می‌دهد چگونه باید با جاهای خالی آدم‌های عزیز کنار آمد و چگونه باید غم و فقدان را پذیرفت و هم‌دلی کرد.

کافه

تازه‌های ادب و هنر

موش‌ها و آدم‌ها

روایت منصوره اتحادیه از اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری و غیاب زنان در اسناد

بررسی اسناد یکی از روش‌های تاریخ‌نگاری است که پژوهش‌گران تاریخ با استفاده از این روش زوایای تاریک تاریخ را روشن می‌کنند. منصوره اتحادیه، ازجمله کسانی است که آثار بسیاری را با استفاده از اسناد دورهٔ قاجار منتشر کرده است.

منصوره اتحادیه که پدرش علی اتحادیه فرزند رحیم اتحادیه و مادرش هما فرمانفرمائیان دختر عباس فرمانفرمائیان و نوهٔ عبدالحسین فرمانفرما است، در گفت‌وگو با ایبنا دربارهٔ اهمیت اسناد در تاریخ‌نگاری می‌گوید: «به‌طور کلی، هر کسی که با تاریخ سروکار دارد باید سخن خود را بر پایهٔ سند استوار کند. امروزه که دامنهٔ تاریخ گسترده‌تر شده، «سند» معنایی فراگیر یافته است و هر موضوعی را در بر می‌گیرد. تاریخ فقط روایت سیاست نیست؛ از زوایای گوناگون می‌توان به آن نگریست. همه‌چیز، به‌نوعی، سند تاریخی به‌شمار می‌آید. حتی یک ساختمان می‌تواند نشانه‌ای از گذشته و مدرکی تاریخی باشد. جاده‌ها، نقشه‌ها و خاطرات نیز در شمار اسناد تاریخی به‌شمار می‌روند. با این‌همه، مهم‌ترین و معتبرترین نوع سند تاریخی، آن چیزی است که به نگارش درآمده باشد اما سندِ مکتوب، همچون نامه، وصیت‌نامه یا یادداشت‌های شخصی، نیز می‌تواند حامل حقیقتی از گذشته باشد و ارزش تاریخی خود را داشته باشد. مکاتبات یک فرد نیز می‌تواند در شمار اسناد تاریخی قرار گیرد. از این‌رو کاملاً طبیعی است که هر پژوهش‌گر تاریخ، در مسیر کاوش خود، ناگزیر به سند رجوع کند. چراکه بی‌سند، هیچ گزارشی از گذشته مبنای استواری نخواهد داشت.»

امانت‌دار گنجینهٔ خانوادگی

اتحادیه در ادامه دربارهٔ شیوهٔ آشنایی خودش با اسناد می‌گوید: «به‌نوعی می‌توان گفت بخت با من یار بود؛ چرا که در مسیر کاری و زندگی شخصی‌ام، مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد خانوادگی در اختیارم قرار گرفت و همین، زمینه را برای بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر سند در کار تاریخی‌ام فراهم کرد. چون در مسیر پژوهش‌های تاریخی‌بودم، امانت‌دار این گنجینهٔ خانوادگی شدم که البته من این اسناد را به کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران اهداء کرده‌ام. قبل از اهدای نهایی آن‌ها به کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، فرصتی مغتنم برای مطالعهٔ عمیق این اسناد داشتم. در طول این دوره، چندین دانشجو به‌صورت داوطلبانه با من همکاری کردند. کم‌کم با مطالعهٔ دقیق این مجموعه، دریافتم که برخی از آن‌ها حاوی اهمیت سیاسی هستند، در حالی که برخی دیگر صرفاً ماهیتی خصوصی دارند؛ مانند نامه‌هایی که یک برادر خطاب به برادر دیگرش نوشته بود.» او در ادامه دربارهٔ اهمیت اسناد خانوادگی فرمانفرماها و نظام مافی‌ها می‌گوید: «این اسناد از دو جنبهٔ مردم‌شناسی و تاریخ اجتماعی اهمیت دارند. ماهیت این اسناد عمدتاً به امور ملکی بازمی‌گشت؛ چراکه این افراد، مالکیت‌هایی در مناطق مختلف داشتند. برای مثال، نظام‌السلطنه در خوزستان و فرمانفرما در آذربایجان املاک وسیعی در اختیار داشتند. بخش قابل‌توجهی از مکاتبات موجود، پیرامون همین املاک بود؛ مباحثی چون نقل و انتقال مال یا قصد فروش آن‌ها مطرح می‌شد، یا مشکلات مربوط به کمبود آب یا سایر موانع مربوط به ملک گزارش

می‌شد. افزون بر مسائل مالی و ملکی، شرح سفرهای آن‌ها نیز در میان اسناد یافت می‌شد؛ جایی که جزئیات مشاهدات و دیدارها با اشخاص گوناگون به تفصیل بیان شده بود. مطالعه این مجموعه، مرا به این باور رساند که این اسناد از منظر تاریخ اجتماعی ایران اهمیتی بسزا دارند. حقیقت آن است که تاریخ اجتماعی کشور ما، در مقایسه با سایر حوزه‌ها، ضعیف است و این ضعف ریشه در یک دلیل روشن دارد؛ خانواده‌ها در طول تاریخ، اسناد خود را به خوبی حفظ نکرده‌اند متأسفانه، ما ایرانیان خصلتی داریم که چندان هم نیکو نیست؛ تمایل ناچیزی به اهمیت دادن به گذشته‌گان و گرمای داشت میراث اجدادمان داریم. مثلاً شنیده‌ایم هنگامی که رضاشاه بر مسند قدرت نشست، فرمانفرما شخصاً اسنادی را که در اختیار داشت، سوزاند؛ اقدامی که نشان می‌دهد چگونه ترس و مصلحت سیاسی، خود به عاملی برای محو شدن بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی تبدیل می‌شود. گفته‌ها حاکی از آن بود که فرمانفرما خود دستور سوزاندن اسناد را صادر کرده بود؛ البته من در آن زمان خردسال بودم و این روایت را به‌واسطه شنیده‌ها نقل می‌کنم. برخلاف تصور اولیه، مجموعه اسنادی که نصیب من شد، عموماً فاقد اسناد کلان سیاسی چون مناسبات با روسیه یا دسیسه‌های کشوری بود. در عوض، این اوراق، آینه‌ای تمام‌نما از معاملات ملکی و زیست روزمرهٔ مردم بودند. این اسناد به خوبی روابط با حاکمان محلی یا وقایع ده و شهرستان‌های مختلف را بازتاب می‌دادند؛ اما ارزش اصلی آن‌ها در پرداختن به مسائل مردمی نهفته بود؛ از وضعیت راه‌ها و آبرسانی، تا مسائل مربوط به بذر، هشدارهای محلی و طرح شکایات مردمی.»

نجات اسناد از دست موش‌ها

اتحادیه در ادامه می‌گوید: «پدر و پدربزرگ من تاجر آذربایجانی بودند که به تهران آمده بودند. پدرم گاهی با غرور از روزگار گذشته می‌گفت: «روزی که حاج رحیم آقا حجره‌اش را در بازار می‌بست، تمام بازار تعطیل می‌شد.» زمانی که از پدرم دربارهٔ هر گونه سند یا نوشته‌ای از آن دوران پرسیدم؛ مادرم گفت: «اسناد بسیار بود، اما در گذر سال‌ها و هر بار که اسباب‌کشی کردیم، ناگزیر بخشی از آن‌ها را دور ریختم؛ خانه‌ها نیز چه بسیار عوض شد.» این حکایت را همواره برای همگان بازگو کرده‌ام که چگونه یک «گونی کوچک» از اسناد، که در گاراز باقی مانده بود، در پی کنج‌کاوی من و پرسش از مادر پیدا شد. موش و سوسک به سراغ این اسناد رفته و آن‌ها را آلوده کرده بودند. اما با مرزبندی، پاک‌سازی و صرف وقت، توانستم از همین بقایای آسیب‌دیده، پنج عنوان کتاب و چندین مقاله منتشر کنم، در محافل مختلف در مورد آن‌ها سخنرانی کردم و کار بر روی این اسناد هم‌چنان ادامه دارد.»

هراس از مکتوبات زنانه

اتحادیه دربارهٔ این‌که این اسناد خانوادگی در مورد زنان آن زمان حاوی چه نکاتی است، می‌گوید: «اسناد دورهٔ قاجار نکات کمی را در مورد زندگی زنان بازگو می‌کنند، در آن زمان بیشتر زنان بی‌سواد بودند. زنان طبقات بالا و شازده خانم‌ها سواد داشتند. مثلاً نامه‌ای از

شناسه آگهی ۲۱۰۹۱۵۴

نوبت اول

مناقصه عمومی (فشرده)

یک مرحله ای به شماره ۲۱۰۹۱۵۴

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان در نظر دارد، مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) لایروبی،رنگ آمیزی و تعمیرات کلی مخزن ۲۱ میلیون لیتری شماره ۱۳ نفتگاز،تبار نفت شهید تندگویان زنجان را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از ارائه پیشنهاد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه، ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ می باشد.

محل اجرای مناقصه	شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان
مبلغ تقریبی بر آورده اولیه	۶۹.۷۵۱.۳۴۲.۹۵۳ ریال
نوع تقصیم و مبلغ شرکت در مناقصه	۲,۴۸۷,۵۶۷,۱۴۸ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی یا واریز نقدی به حساب ۱۶۰۰۲۱۷۲۵۸۸۰۱نام عامل ذیحساب شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان نزد بانک ملی
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت	از ساعت ۱۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ تا ساعت ۱۶ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶
ساعت و تاریخ توضیح اسناد	ساعت ۱۰ روزسه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد	ساعت ۱۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
زمان بازگشایی پاکت ها	ساعت ۱۲ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
شرایط متقاضیان شرکت در مناقصه لایروبی،رنگ آمیزی و تعمیرات مخزن ۲۱ میلیون لیتری شماره ۱۳ نفتگاز	مدارک لازم برای شرکت ها: ۱- دارای شخصیت حقوقی ۲- ارائه کد ثبت شده شرکت در سایت پایگاه ملی مناقصات ۳- احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی و HSE(حداقل ۶۰) ۴- احراز امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی و HSE(حداقل ۶۰) ۵- صلاحیت از اداره کار و اموراجتماعی استان ۶- تکمیل و ارائه فرم گزارش خود اظهاری ۷- تصویر گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران از اداره کار استان که می بایست قبل از تحویل پاکت ها در امورحقوقی منطقه برابر اصل گردد و یا اصل نامه گذراندن کلاس های مربوط به گواهی نامه مزبور از اداره کار استان ۸- دارای حداقل رتبه ۵ نفت گاز ۹- دارای تجربه و سابقه قبلی ۱۰- دارای ضمانت نامه بانکی ۱۱- بانک های ممنوع المعامله: بانک گردشگری –پاسارگاد –سپه
شرایط عمومی و الزامی	۱- دراین مناقصه جهت تعیین مناسب ترین قیمت و برنده مناقصه، از دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت به شماره ۷۹۶-۲۰/۲ مورخه ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزیر محترم نفت (پیوست اسناد مناقصه)استفاده میگردد. ۲- صرفااسناد پاکت های الف ب و ج دارای امضا الکترونیکی موردپذیرش است در جلسه بازگشایی پاکت های ب و ج ، اسناد فیزیکی(کاغذی) و اسناد فاقد امضا الکترونیکی (دارای امضا گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست. ۳- درج امضا الکترونیکی ذیل اسناد بازگزاری شده توسط مناقصه گران الزامی میباشد.

۱- اسناد مناقصه و شرایط عمومی پیمان در دو سایت ietsmporg.ir و monaghese.niopdc.ir قابل دسترس و مطالعه جهت آگاهی از شرایط قرارداد می باشد.
۲- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه ، آدرس: زنجان میدان آزادی خیابان شرکت نفت، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه زنجان، واحد امورحقوقی و پیمان ها(آقای محمدهادی کردلو)، تلفن: ۰۴۸۱۵۰-۳۳۰-۰۲۴-
خدمات مهندسی (۰۲۴-۳۲۷۹۹۷۰۳)
۳-با توجه به برگزاری مناقصه از طریق سامانه ستاد، درج امضای الکترونیکی ذیل کلیه اسناد بازگزاری شده توسط مناقصه گران الزامی است.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴-۲۱
دफتر ثبت نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۰۲۱-۸۵۱۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه setadiran.ir بخش «ثبت نام/ پروفایل تأمین کننده/ مناقصه گر» موجود است.

انتشار آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

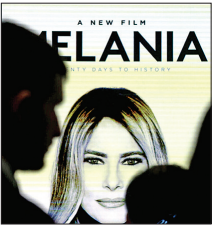
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه زنجان

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگ

مستند «ملانیا» جنگالی ترین فیلم سال

وقتی همسر دونالد ترامپ تهیه کننده می شود



قبل از اینکه اکثر مخاطبان حتی فرصتی برای دیدن فیلم داشته باشند، مستند جدید «مالینا» که به همسر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، مالینا ترامپ می‌پردازد، از هم‌اکنون یکی از پرچم‌های ترین فیلم‌های سال شده است. این مستند که توسط آمازون ام. جی. ام استودیو منتشر شده و حدود ۲۰ روز منتهی به مراسم تحلیف دوم دونالد ترامپ را دنبال می‌کند، با بودجه‌ای

سی سابقه، کمپین تبلیغاتی بسیار پرزنگ و فهرست رو به رشد پرسش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی، به موضوع بحث تبدیل شده است. بخش عمده گفت‌وگو درباره این فیلم نه به آنچه روی پرده می‌رود مربوط است، بلکه به چگونگی، زمان و دلیل تولید آن می‌پردازد.

مستندی با قیمت بالا کاستری

بحث‌ها درباره «ملانیا» از قبل از اتمام فیلم شروع شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که باژون ام. جی. ام استودیو مبلغ ۴۰ میلیون دلار برای مجوز این مستند پرداخته، که آن را به گرانترین خرید مستند در تاریخ تبدیل می‌کند. علاوه بر این، حدود ۳۵ میلیون دلار برای تبلیغات جهانی صرف شده و مجموع سرمایه‌گذاری به حدود ۷۵ میلیون دلار می‌رسد، رقمی که معمولاً به فیلم‌های داستانی تعلق دارد نه مستندها. برای مقایسه، بسیاری از مستندهای تراسپاس برحسبه تا بودجه‌ای زیر ۵ میلیون دلار تولید می‌شوند. همچنین گفته شده که ملانیا، متروپخش حدود ۲۸ میلیون دلار، معادل ۴۰ درصد از هزینه مجوز را دریافت کرده است، موضوعی که قانونی است اما توجه به نقیض فعال از درگاه سفید، باعث تعجب شد. با این حال انتظارات فروش بلیت متواضع است و تحلیلگران از صنعت پیش‌بینی می‌کنند افتتاحیه بین یک تا ۵ میلیون دلار باشد؛ رقمی بسیار کمتر از هزینه تولید فیلم.

مستندی درباره همسر رئیس‌جمهور در دوران فعالیتش

میزان سرمایه‌گذاری تنها چیزی نیست که «ملاینا» را غیرمعمول می‌کند. در حالی که همسران سابق رئیس‌جمهور معمولاً بعد از ترک کاخ سفید خاطرات یا پروژه‌های رسانه‌ای ارائه کرده‌اند، این مستند در حالی منتشر می‌شود که ملاینا هنوز در جایگاه همسر رئیس‌جمهور است. علاوه بر این، ملاینا نکته‌ها سوزه فیلم است، بلکه تهیه‌کننده اجرایی پولی نیز هست و کنترل اداری و ویرایش فیلم را در اختیار دارد. تیم او تأیید کرده که او در تولید، پس‌تولید و حتی ساخت تریلر و تبلیغات جهانی به‌طور فعال مشارکت داشته است. پول‌فرداران می‌گویند که نقش همسر رئیس‌جمهور غیرپرداختی و محدود است. منتقدان پاسخ می‌دهند که کسب درآمد از نزدیک به قدرت در حالی که هنوز در آن جایگاه است، مرزهای حکومت، تجارت و رسانه را مخدوش می‌کند.

مشکل برت و تنر

کمتر چیزی به اندازه کارگردان فیلم مورد نقد قرار گرفته است. «مالینا» اولین پروژه مهم برت رتدر بیش از یک دهه است. او پیش از این کارگردان فیلم‌های موقفی مانند سسات شلوعی و مردان ایکس: آخرین ایستادگی، اما در سال ۲۰۱۷ به دلیل اتهامات متعدد تعرض جنسی، حرفه‌اش به تعطیلی کشیده شد؛ اتهاماتی که او رد کرده و هیچگاه به محکومیت کیفری منجر نشد. گزارش‌های گویند مالینا شخصاً رت را برای این پروژه انتخاب کرده و می‌خواست فیلم ظاهری سینمایی داشته باشد نه سبک مستند سنتی. تحلیلگران اما معتقدند که غیبت طولانی رت از هالیوود باعث شد تنها کارگردان شناخته‌شده‌ای باشد که حاضر به پذیرش پروژه سساس سیاسی شود. علاوه بر این، بازگشت ناگهانی او به صحنه حرفه‌ای هیرمان با پروژه «سسات شلوعی (۴)» علاوه گفته می‌شود ترامپ شخصاً خواستار آن بوده، باعث انتقاد و بحث‌های بیشتر شده است.

هرج و مرج پشت صحنه

تولید فیلم ما با مشکلاتی همراه بود. طبق گزارش رولینگ استونز فیلمبرداری در فلوریدا، وادشگن دی‌سی و نیویورک، با چند گروه همزمان و تحت محدودیت زمانی شدید انجام شد. برخی اعضای گروه از روزهای طولانی کاری بدون استراحت و رفتار تحقیرآمیز رتتر شکایت داشتند. با این حال، بسیاری از شکایات مستقیماً به ما ملاها مربوط نمی‌شود.

تبلیغات و بازاریابی

نمایش خصوصی فیلم در کاخ سفید برگزار شد و مهمانان برجسته‌ای از حوزه فناوری، مد و دیپلماسی جهانی دعوت شدند. این مراسم تنها چند ساعت پس از مرگ یک پرستار در مینیسوتاپولیس توسط مأمور اداره مهاجرت برگزار شد؛ موضوعی که انتقادات شدیدی به زمان‌بندی و لحن مراسم وارد کرد. سپس ملانیا در باز کردن رنگ بورس نیویورک شرکت کرد و درباره داستان گویی، فرهنگ و ارتباط عاطفی صحبت کرد. کمپین تبلیغاتی شامل تبلیغات ان‌اف‌ال، یلبورو، و یو‌دا‌های جانف و حتی تصاحب مجسمه رفاهی ونیشین و لوگاس اس‌اند. این در حالی است که گزارش‌هایی از اخراج کارکنان آموزون هم منتشر شده بود، تضادی که تصور افکار عمومی را پیچیدتر کرد.

احتمال شکست تجاری

با وجود توجه رسانه‌های گسترده، نشانه‌های اولیه از تقاضای محدود حکایت دارد. با بازارهای اصلی آمریکا، بسیاری از نمایش‌ها صندلی‌های خالی داشتند و در بریتانیا، فروش بلیت ضعیف گزارش شد. در بخش بین‌المللی هم مشکلاتی وجود داشت؛ ازجمله نمایش فیلم در آفریقای جنوبی که به دلیل تنش‌های سیاسی لغو شد. با وجود همه اینها، سیستم به نفع‌های از قطعات سیاست، برندیگ سمبولی و اقتصاد استریمینگ تبدیل شده است، جایی که دسترسی، ظاهر و برداشت عمومی به پاندازه محتوا اهمیت دارد.

آیا «ملانیا» در رقابت جوایز ۲۰۲۶ قرار می‌گیرد؟

دو مستند طولانی قبلی که جایزه تمشک طلایی برای بدترین فیلم را برده‌اند، هر دو فیلم‌های سیاسی بوده‌اند: آمریکای هیلاری: تاریخ پنهان حزب دموکرات (۲۰۱۶) و مدرک غیرقابل انکار (۲۰۲۰). پس نباید تعجب کرد اگر «ملانیا» سال آینده در این لیست قرار گیرد.



با عنوان «معایب الرجال» بسیار خواندنی است. دیگری خاطرات «تاج السلطنة» دختر یاسواد ناصرالدین شاه است. خاطرات «تاج السلطنة» هم در حول و حوش مشروطه نوشته شده است. (تکه‌ای از خاطرات او باقی مانده که هنوز منتشر نشده است). خاطرات «تاج السلطنة» نظر او در مورد اوضاع زنان، بی‌سوادی زنان و خرافات‌شان است که در بین زنان وجود داشت. بنابراین ما مکاتبات زنان را در این دوره نداریم. مگر این که تک و توک امام‌های در بین اعضای خانواده‌ی رویداد می‌شد. نسبت به زنان یک حساسیتی دارند که مثلاً امام مادرشان برده نشود یا عمه‌ای که در ۵۰ یا ۶۰ سال پیش طلاق گرفته، نامش برده نشود. بنابراین در دوره قاجار زنان را باید در نوشته‌های مردان جست‌وجو کنیم. من همیشه می‌گویم که تاریخ با دید مردانه نوشته شده است.»

منصوره اتحادیه در مورد ضرورت توجه به اسناد و حفظ اسناد در مراکز تخصصی مرتبط با این موضوع می‌گوید: «حیف است که سندها از بین بروند. ممکن است حتی شخص را شناسایی یا مشخص نباشد سند متعلق به کیست اما اطلاعات اجتماعی و گاهی فرهنگی دارد. حتی قبالة ازدواج و وصیت‌نامه هم جزء اسناد مهم به شمار می‌روند. چون در قبالة ازدواج در مورد مهریه صحبت می‌کنند، اصطلاحاتی به کار رفته است. تذهیب قبالة‌های ازدواج خیلی جالب است. مثلاً سند عقدنامه دختر شاطر دارای تذهیب جالبی بود. مثل اینکه انگشت را به جوهر قرمز آغشته کنی و دور این قبالة را با آن تزئین کنی. اما قبالة ازدواج یک شازده خانم با طلا تزئین می‌شد. در سند ازدواج آمده است که مهریه زوجین چقدر است و در چه شرایطی عقد کردند. عقدنامه جالبی خواندم که نوشته بود تا پنج سال شوهر حق طلاق دادن عروس را ندارد. یعنی چه؟ یعنی بعد از پنج سال می‌تواند عروس را طلاق بدهد؟! این عقدنامه‌ها اطلاعات خیلی جالبی به ما می‌دهند، مثلاً یک وقتی شما عقدنامه مادر بزرگت را داری. نگه داشتن آن به چه دردی می‌خورد، آن را به مراکز اسنادی اهدا کن. یا وصیت‌نامه‌ای در اختیار داری، آن را اهدا کن. یعنی ملاحظات را که همیشه داریم، باید کنار بگذاریم.»

عمومی نظام السلطنه موجود است که در این نامه نوشته است، «تو شکایت داری از این که زمن بی سواد است، مگر زن فلانی سواد دارد؟» یعنی برای زنان خواندن عیبی ندارد اما خط حرام است، یعنی زنان نباید نوشتن بلد باشند. چنین اطلاعاتی در این نامه‌ها موجود است. در این زمان از آن جایی که زنان بی سواد هستند، مکاتبه نمی‌کنند یا خیلی به‌ندرت مکاتبه می‌کنند. از سوی دیگر زن جماعت خودش را کوچک می‌دید، از کودکی به زنان تلقین شده بود که برادرش یک پسر است و تو نیستی، تو دخترتی، کمبیه‌ای. این است که زنان خودشان را کم می‌دیدند، یعنی اگر زنی شعر هم می‌سرود، فکر نمی‌کرد که این شعر قابل پذیرش باشد. یعنی سعی می‌کردند به سبک مردانه بنویسند تا قابل پذیرش باشد. در زمان مشروطه در قانون اساسی نوشته شد حق تحصیل عمومی است. بنابراین در این زمان عده‌ای محدود از خانم‌ها در تهران، شیراز و آذربایجان مدرسه تأسیس کردند و با این که خیلی منع می‌شد و می‌گفتند که این مدرسه‌ها چیزهای بدی به دختران یاد می‌دهند، دختران فاسد می‌شوند با این وجود اما شروع مدرسه رفتن دختران از این زمان است. بعد از انقلاب مشروطه عده‌ای بودند که آزادی را برای زنان می‌خواستند، این افراد شروع به چاپ روزنامه کردند. یکی از خانم‌هایی که شروع به چاپ روزنامه می‌کند، مریم عمید، زن عمادالسلطنه است که بعد از مدت کوتاهی عمادالسلطنه او را طلاق می‌دهد. تصور من این است که این خانم حرف‌نشنو بوده است. چون چیزهایی خوانده بود، در نتیجه آن نقشی که عمادالسلطنه انتظار داشت، اجرا نمی‌کرد و همین سبب شد که عمادالسلطنه طلاقش بدهد. مریم عمید بعد می‌شود خانم مزین السلطنه که دو مدرسه باز می‌کند و روزنامه شکوفه را که در واقع یک روزنامه فمینیستی و بسیار مهم است؛ منتشر می‌کند. ولی مریم عمید عمرش کوتاه بود و زود فوت کرد. بنابراین در دوره قاجار زنان مکاتباتی ندارند، آن‌چه در مورد زنان نوشته شده است، از قلم مردان است.

یکی از خاطرات زنان دوره قاجار خاطرات بی‌بی خانم استرآبادی است که ایشان خیلی معروف است و نظرش را در مورد مردان و عیب‌های آنان نوشته است. کتاب او

[illegible][illegible]

روزنه‌گشایی ارزی

کجای برنامه‌های عبدالناصر همتی در بانک مرکزی امیدبخش است؟

بازار سهام

روز بد پورس

چگونه قیمت ۹۲ درصد سهام منفی شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران هفته جدید را با افت نهم‌زمان تمامی شاخص‌های سهامی آغاز کرد. در جریان معاملات شبیه، ۱۱ بهانه، مانند شدت فشار فروش به حدی رسید که بیش از ۹۲ درصد بازار در محدوده منفی معامله شد. شاخص کل بورس تهران در ادامه موج فشار فروش آفتی معادل ۱۴.۳۳ درصد را ثبت کرد و با کاهش حدود ۵۷ هزار واحدی، پایین‌ترین ارزش از مهر ۹۴ و پایین‌ترین افت در محدوده ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار واحد به پایان رساند. هفت‌ماه‌نامه شاخص هم‌وزن نیز ۱۰.۷۷ درصد عقب نشست و بیش از ۱۸ هزار واحدی تا تک آفت یک میلیون واحد پایین رفت. سطحی که برای سنجش وضعیت سهام کوچک و متوسط اهمیت زیادی دارد. ارزش معاملات خرد به حدود ۱۲ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان رسید. خروج حدود هزار و ۱۶۰ میلیارد تومان پول حقیقی نشان می‌دهد، بازیگران خرد ترجیح دادند وزن سبد خود را کاهش دهند و نقدتر حرکت کنند. از سوی دیگر، برابری ریال به دلار که در آخرین معاملات روز پنجشنبه در سطح ۱۶۰۰ تومان قرار داشت؛ در معاملات دیروز در محدوده ۱۵۸۰ هزار و ۳۰۰ تومان آغاز به کار کرد. در ادامه شاخص ارزی توانست کانال‌های قیمتی را یکی پس از دیگری فتح کند و به کانال ۱۶۱ هزار تومان برسد. هر گرم طلای ۱۸۰۰ غیار در بازار فیزیکی طلا و سکه در قیمت ۲۰۹۰ میلیون و ۸۴ هزار تومان معامله شد و سکه امامی هم در قیمت ۲۰۰ میلیون تومان میان خریداران و فروشندگان دست به دست شد.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر بر اینکه تحدید حدود شش‌دانگ ده قطعه زمین مزروعی تحت شماره ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ فرعی مفروز و مجزی از ۳۵۵ اصلی واقع در بخش سه اردبیل بنام آقای عزیز نورانی فرد تاکنون بعمل نیامده است فلذا طبق ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون مزبور تحدید حدود پلاک مرقوم روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ راس ساعت ۱۰ صبح در محل شروع و بعمل خواهد آمد. بدین وسیله به مالکین و مجاورین اخطار می‌شود در موعد مقرر در محل حاضر تا طبق مقررات نسبت به تحدید حدود پلاک مزبور نظارت فرمایند و اعتراض به حقوق ارفاقی و حدود آن مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تحدید حدود به مدت ۳۰ روز خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

فرصتعلی عابدی - رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو
شهرستان اردبیل

آگهی فقدان سند مالکیت
ه نامه: ۸۵۶۱۶۰۱۴۰۲۸۹۹۳

[illegible]

مفقودی

برگ سبز موتور سیکلت تیپ WAVE سیستم هوندا
مدل ۱۳۸۵ به رنگ قرمز به شماره انتظامی ۵۲۴ ایران
۲۶۴۲۷ به شماره شناسی ۸۵۰۰۶۹۴ مفقود و از درجه
اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

برگ سبز خودروی سواری سیستم دنا تیپ DENA+EFV-TCA مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید به شماره انتظامی ایران ۸۹-۸۹۱ د ۹۸ شماره شاسی NAAW۶۱HYERDF۱۹۷۸۸ و به شماره موتور ۱۵۳H۰۲۲۰۰۹۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد

سیاستگذاری ارزی در ایران بوده است. اصولاً ابهام و ناپایداری در هدف‌گذاری در بانک مرکزی وجود داشته و همواره یکی از دایلهای شکل‌گیری نااطمینانی بوده است. در دوره‌هایی تثبیت اسمی نرخ ارز هدف اصلی اعلام می‌شد، در مقاطعی دیگر کنترل تورم با حمایت از معیشت و گاه نیز سیاست ارزی، تابع ملاحظات کوتاه‌مدت بود. در حال حاضر تأکید صریح رئیس کل بانک مرکزی بر شناور مدیریت شده با اعمال کنترل‌های ضروری نشان می‌دهد که سیاستگذار به‌طور رسمی از دوگانه‌های پرهزینه تثبیت دستوری یا رهاسازی کامل عبور کرده و مدلی میانی را برگزیده است. مدلی که هم با واقعیت اقتصاد تحریمی ایران سازگارتر است و هم از قوانین بالادستی تصریح شده است. این شفافیت در راهبرد، پیش‌بینی شکل‌گیری انتظارات باثبات در بازار ارز است که خود یکی از مؤلفه‌های اصلی ثبات ارزی محسوب می‌شوند.

احتمالا دلیل دوم، حرکت به سمت یکپارچه‌سازی نرخ ارز و کاهش رانت‌های ساختاری است. چنانکه بارها گفته شده، تجربه چند دهه گذشته نشان داده که چندین رخ بودن ارز، نهایتاً به حمایت مؤثر از مصرف‌کننده منجر نشده بلکه به شکل‌گیری شبکه‌های گسترده رانت، فساد و اتلاف منابع ارزی انجامیده است. آنچه در سیاست جدید برجسته است، تلاش برای همگرا کردن نرخ‌ها از مسیر بازار تجاری ارز و نه از طریق شوک‌های ناگهانی یا حذف دفعتی حمایت‌هاست. داده‌هایی که از عملکرد دهه‌های بازار تجاری ارز ارائه شده است، از جمله تبدیل مازاد تقاضای روزانه ۵۰۰ میلیون دلاری به مازاد عرضه ۷۰ میلیون دلاری نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از تقاضای بیشین، واقعی نبوده و با حذف رانت از بازار خارج شده است. این نشانه‌ای مثبت از بهبود کیفیت تقاضای ارزی و افزایش کارایی تخصیص منابع است.

سومین عامل امیدوارکننده، تعمیق بازار تجاری ارز و افزایش نقش آن در کشف قیمت است. رشد حدود ۵۰ درصدی حجم معاملات روزانه از ۸۰ میلیون دلار به ۱۵۰ میلیون دلار، بیانگر آن است که بازار تجاری در حال تبدیل شدن به محور اصلی مبادلات ارزی است. در اقتصادهایی که با محدودیت‌های خارجی مواجهند، تعمیق بازار داخلی ارز اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا امکان مدیریت نوسانات، کاهش شوک‌های قیمتی و افزایش کشف‌قیمت‌ها را فراهم می‌کند. افزایش حجم معاملات به این معناست که قیمت‌ها بیش از گذشته حاصل برآیند عرضه و تقاضای واقعی هستند. این نتیجه ماندگارش مقطعی یا سینگال‌های غیر رسمی. این تحول از منظر سیاست‌گذاری پولی نیز اهمیت دارد زیرا کانال ترخ ارز را به کانالی قابل پیش‌بینی‌تر برای انتقال سیاست پولی تبدیل می‌کند. یکی دیگر از نکات مثبت سیاست‌گذاری جدید،

دلیل، اگرچه تورم به صورت عددی برای همه دهک‌ها وجود دارد اما اثر رفاهی آن برای دهک‌های بالا به مراتب کمتر است.

از منظر آماری نیز در اغلب گزارش‌های رسمی، نرخ تورم دهک‌های پایین به برابر با تورم کل یا اندکی بالاتر از آن گزارش می‌شود اما نکته مهم اینجا است که یک درصد تورم برای دهک پایین به معنای کاهش مستقیم مصرف و رفاه است درحالی که برای دهک‌های بالا اغلب به معنای کاهش پس‌انداز یا تغییر ترکیب دارایی‌هاست. به بیان دیگر، تورم برای دهک‌های پایین «معیشتی» و برای دهک‌های بالا بیشتر «مالی» است.

عامل مهم دیگر، درآمد ثابت و ناپایدار بودن منابع درآمدی دهک‌های پایین است. بسیاری از خانوارهای این دهک‌ها وابسته به حقوق، دستمزد یا یارانه هستند که معمولاً با تأخیر و کمتر از نرخ تورم تعدیل می‌شود. در نتیجه، شکاف میان رشد هزینه‌ها و رشد درآمد‌ها به سرعت افزایش می‌یابد. این درحالی است که دهک‌های بالاتر معمولاً درآمد‌های متنوع‌تری دارند و امکان تعدیل سریع‌تری با شرایط تورمی پیدا می‌کنند.

بر اساس داده‌های هزینه-درآمد و ساختار سبد مصرفی خانوارها، دهک‌های اول تا چهارم عملاً حدود ۶۶ درصد فشار واقعی تورم را تحمل می‌کنند. دلیل این موضوع آن است که این دهک‌ها بخش عمده‌ای از هزینه‌های خود را صرف کالاهای اساسی مانند خوراک‌ها، مسکن، انرژی و حمل‌ونقل می‌کنند.

سعید خوش بین

گروه اقتصاد

عبدالناصر همتی با پذیرش مسئولیت بانک مرکزی، بزرگترین از خود گذشته‌گی عرش را مرتکب شد. او در مقطعی این مسئولیت را پذیرفت که اقتصاد ایران زیر فشار همزمان تحریم، بی‌ثباتی انتظارات و فراسایش اعتماد عمومی قرار داشت و بانک مرکزی در کنون تمامی مطالبات و بارشانی‌ها ایستاده بود. همتی به ندادی پا گذاشته که نه تنها ابراهاری سیاستگذاری‌اش محدود شده بلکه برای دو رئیس کل قبلی و معاونان ارزی بانک مرکزی هرودند تشکیل شده است. پذیرش این جایگاه به معنای قبول مسئولیت تصمیم‌های سخت، اصلاحات پرهزینه و مواجهه مستقیم با افکار عمومی است، تصمیم‌هایی که منافع کوتاهمدت دارند اما برای مهار بحران و بازگرداندن حداقلی از ثبات به اقتصاد اجتناب‌ناپذیر است.

همتی به محض ورود تصمیم‌های قاطعی گرفت که بخشی از آن در اظهارنظرهای اخیرش گفته شد. همزمان با تغییر معاون ارزی بانک مرکزی و انتصاب مهدی گودرزی، سیاست ارزی کشور را به‌طور فوری بازنگری کرد. او در جلسه‌ای که با مدیران کل بانک مرکزی آن روز برگزار شد، به‌طور صریح اعلام کرد که در سبب حذف رانت و تعمیق بازار ارز توصیف می‌کند. عبدالناصر همتی با تشریح نتایج دو هفته نخست اجرای سیاست یکپارچه‌سازی نرخ ارز اعلام کرد که در سبب حذف رانت و واردات و اعمال کنترل‌های هدفمند ارزی، بازار تجاری ارز از مزایای خود محروم شده و ۵۰۰ میلیون دلار به بهانه عرضه نرسیده، حجم معاملات رشد ۲۰ درصدی داشته و آیین به‌طور کامل به‌دوش صادرکنندگان غیرنفتی قرار گرفته است؛ تحولاتی که به گفته او نشانه حرکت به‌سوی یک نظام ارزی شناور مدیریت‌شده، شفاف‌تر و کارا تر در شرایط تحریمی و جنگ اقتصادی است.

به عقیده اقتصاددانان چشم‌اندازی که رئیس کل بانک مرکزی در سخنان اخیر خود ترسیم کرده در مجموع می‌تواند، امیدوارکننده تلقی شود. نه به این معنا که همه چالش‌های ساختاری بازار ارز ایران برطرف شده‌اند بلکه از آن جهت که برای نخستین‌بار پس از سال‌ها، یک چارچوب نسبتاً منسجم، مبتنی بر تجربه، قانون و واقعیت‌های اقتصاد سیاسی کشور در سیاست ارزی دیده می‌شود. برای ذکر چرایی این ارزیابی مثبت باید سیاست ارزی جدید را در بستر تاریخی اقتصادی ایران تحلیل کرد و نتایج آن را در عملکرد عملی بازار ارز جست‌وجو کرد.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل، شفاف شدن راهبردهای ارزی بانک مرکزی است که پیش از این یکی از مزمن‌ترین مشکلات

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

وضعیت کمر شکن

کدام دهک بیشترین فشار تورم را تحمل می کند؟

سعيد مسبوق

گروه اقتصاد

بیشترین فشار تورم معمولاً بر دهک‌های پایین درآمدی، به‌ویژه دهک اول تا سوم، وارد می‌شود و این موضوع هم از نظر آماری و هم از نظر ساختار هزینه‌ای خانوارها قابل توضیح است. دلیل اصلی این تفاوت آن است که الگوی مصرف دهک‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معنادار دارد. دهک‌های پایین، بخش بسیار بزرگی از درآمد خود را صرف کالاهای اساسی و ضروری مثل خوراکی‌ها، مسکن، انرژی، حمل‌ونقل و بهداشت می‌کنند. این اقلام نه‌تنها سهم بالایی در سبد مصرفی این دهک‌ها دارند بلکه معمولاً نرخ تورم بالاتری نسبت به میانگین کل اقتصاد را تجربه می‌کنند. به‌عنوان مثال، تورم خوراکی‌ها و مسکن در بسیاری از دوره‌ها از تورم کل بالاتر بوده و همین موضوع فشار تورمی را برای دهک‌های پایین تشدید کرده است.

در مقابل، دهک‌های بالای درآمدی سهم کمتری از هزینه‌های خود را به کالاهای ضروری اختصاص می‌دهند و بخش بیشتری از مخارج آنها صرف خدمات، کالاهای بادوام، تفریحات، سفر و دارایی‌هایی مانند خودرو، طلا، ارز یا مسکن سرمایه‌ای می‌شود. این گروه‌ها علاوه بر آنکه کمتر در معرض شوک مستقیم تورم کالاهای اساسی هستند معمولاً امکان پوشش تورم از طریق

تکای سیاست ارزی به صادرات غیرنفتی است. عرضه ۲۰۷۵ میلیارد دلار ارز در بازار تجاری طی دو هفته، آن هم صرفاً از محل صادرات غیرنفتی، نشان می‌دهد که ظرفیت‌های ارزی خارج از نفت در حال فعال شدن هستند. تمرکز بانک مرکزی بر بازگشت ارز صادراتی، همراه با مشق‌ها و رفع موانع اداری، به‌ویژه در شرایطی که دسترسی به درآمد‌های نفتی محدود است، یک اشتباه عقلانی و ضروری است. این رویکرد، در صورت تداوم، می‌تواند به تدریج وابستگی سیاست ارزی به شوک‌های نفتی را کاهش دهد و پایداری بیشتری به بازار ارز ببخشد.

واقع‌گرایی سیاست‌دار نسبت به محدودیهایی تحریمی و جنگ اقتصادی هم یکی دیگر از نکات مثبت اظهارات رئیس کل است. برخلاف برخی دوره‌ها که سیاست ارزی بر مبنای فروش نفت و واقعی طراحی می‌شد، در چارچوب جدید به‌صراحت پذیرفته نشده و ابزارهای متعدد داخله ارزی کفایت نمی‌کنند و کنترل‌های ارزی اجتناب‌ناپذیرند. ثبت سفارش، ثبت منشا ارز، ساماندهی صرافی‌ها و کنترل حساب سرمایه، اگرچه محدودکننده به نظر می‌رسند اما در اقتصادی با جریان‌های ارزی مختل می‌توانند، نقش حفاظتی ایفا کنند. مهم آن است که این کنترل‌ها به‌عنوان ابزارهای موقتی و همدمند به کار گرفته شوند، نه سیاست‌های انحصاری سازوکار بازار. شواهد فعلی نشان می‌دهد که سیاست‌هایی که به این تمایز آگاه است.

از منظر سیاست‌گذاری پولی نیز نشانه‌هایی از هماهنگی بیشتر میان سیاست پولی و ارزی دیده می‌شود. مدیریت نرخ ارز حول روند، با حداقل نوسان، مستلزم کنترل رشد نقدینگی، مدیریت انتظارات تورمی و پرهیز از شوک‌های مالی است. گرچه متن سخنان رئیس کل بانک مرکزی به‌طور مستقیم وارد جزئیات سیاست پولی نمی‌شود اما تأکید بر ثبات، کاهش نوسان و تعمیق بازار با اهداف مهار تورم و افزایش اعتبار سیاست پولی هم‌راستا است. به بیان دیگر، سیاست ارزی جدید در حال ایفای نقش لنگر انتظارات در کنار سیاست پولی است؛ نقشی که در سال‌های گذشته به‌شدت تضعیف شده بود.

به عقیده اقتصاددانان، هزمنانی اصلاحات ارزی به سیاست‌های حمایتی هدفمند مثل مانند یارانه کالابرگ، نکته‌ای کلیدی است. یکی از بزرگ‌ترین ریسک‌های اصلاحات ارزی، انتقال فشار به معیشت خانوارهاست. اینکه بیش از ۲۷ میلیون خانوار از یارانه کالابرگ استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد سیاست‌گذار تلاش کرده، اصلاحات قیمتی را با سازوکارهای جبرانی همراه کند. این ترکیب، اگر درست اجرا شود، می‌تواند شروعت اجتماعی سیاست ارزی را افزایش دهد و از بازگشت به سیاست‌های پرهزینه گذشته جلوگیری کند. با توجه به این شرایط، چشم‌انداز ترسیم شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی می‌توان امیدوارکننده دانست زیرا مبتنی بر شفافیت راهبردی، نگاهش محدود به بازار، تقویت صادرات غیرنفتی، واقع‌گرایی نسبت به محدودیت‌ها و تلاش برای هماهنگی با سیاست پولی است. با این حال، امیدواری مشروط به تداوم همکاری‌ها، ریزش از مداخلات شتابان‌نبرد و حفظ اعتماد فعالان اقتصادی است.

سیاست ارزی جدید هنوز در ابتدای مسیر است اما شواهد اولیه نشان می‌دهد که این بار، حرکت نه از سر اضطراب مقطعی بلکه بر پایه یک چارچوب نسبتاً منسجم آغاز شده است.

قلامی که در اغلب دوره‌ها بیشترین رشد قیمتی را داشته‌اند. در مقابل، دهک‌های بالاتر سهم بیشتری از هزینه‌های خود را به کالاها و خدماتی اختصاص می‌دهند که با تورم کمتری داشته‌اند یا مکان جایگزینی و تعدیل مصرف در آنها وجود دارد. نکته مهم این است که «۶۶ درصد» بمعنای آن نیست که نرخ تورم رسمی برای دهک‌های پایین دو برابر دهک‌های بالا بوده بلکه به این معناست که سهم ات‌گذارد تورم بر رفاه و معیشت خانوارها به‌شدت نامتوازن توزیع شده است. به بیان دیگر، بخش اعظم شوک قیمتی اقتصاد به مسیر کالاهای ضروری به دهک‌های پایین منتقل شده و قدرت خرید آنها را مستقیماً کاهش داده است درحالی که دهک‌های بالاتر توان جبران تورم از طریق افزایش درآمد، تغییر ترکیب دارایی‌ها یا کاهش پس‌انداز را دارند. بنابراین می‌توان گفت تورم در ایران یک پدیده خشنی یا یک‌نواخت نیست بلکه پدیده‌ای به‌شدت نابرابرکننده است که فشار اصلی آن بر دهک‌های اول تا چهارم متمرکز شده و کمین موضوع توضیح می‌دهد چرا حتی با تورم‌های مشابه اسمی، پیامدهای اجتماعی و معیشتی برای دهک‌های پایین بسیار شدیدتر است. در مجموع می‌توان گفت دهک‌های اول، دوم و سوم بیشترین فشار واقعی تورم را تحمل می‌کنند حتی اگر نرخ تورم ثبت شده برای آنها تفاوت فاحشی با دهک‌های بالا نداشته باشد. تورم در ایران بیش از آنکه پدیده‌ای «یکسان» باشد، پدیده‌ای نابرابرکننده است که شکاف رفاهی میان دهک‌ها را تشدید می‌کند. به همین دلیل، سیاست‌های ضدتورمی اگر با حمایت‌های هدفمند معیشتی همراه نباشد، می‌تواند به تضعیف بیشتر قدرت خرید دهک‌های پایین منجر شود. اطلاعات مرکز آمار نشان می‌دهد که تورم سالانه سرای دهک‌های هزینه‌ای مختلف متفاوت بوده و فقیرترین دهک نرخ تورم بالاتری نسبت به ثروتمندان تجربه کرده است. همچنین امارهای مرکز آمار نشان می‌دهد، فاصله تورمی میان دهک‌ها وجود دارد به‌طوری که برای برخی دوره‌ها اختلاف چند درصدی میان دهک‌های بالا و پایین ثبت شده است.



سال هشتم شماره ۲۱۷۵
یک‌شنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴

بررسی رویدادهای اجتماعی

کوچه

سیگنال کور

افزایش اختلالات نقشه‌یاب‌های ایرانی

گروه اجتماعی: در روزگاری که فناوری قرار بود کوتاه‌ترین راه را برای رسیدن به مقصد نشان‌مان دهد حالا رانندگان پایتخت و شهرهای بزرگ، خود را در بن‌بستی از «سیگنال‌های کور» می‌بینند. اختلالات گسترده در سیستم موقعیت‌یاب جهانی (GPS) که طی ۲۰ روز اخیر به اوج خود رسیده، نه‌تنها ترافیک را کلافه‌تر کرده بلکه معیشت هزاران راننده تاکسی اینترنتی را به لبه پرتگاه کشانده است.

تراژدی در پشت فرمان؛ رانندگانی که «فلج» شده‌اند

«امروز دیگر اشکم درآمد!»؛ این اولین جمله راننده‌ای است که بازنشستگی‌اش را با پراید نقره‌ای در خیابان‌های تهران می‌گذراند. او از لحظاتی می‌گوید که مسافر سوار شده، اما گوشی هوشمندش او را در میان بیابان‌های خیالی یا وسط دریا نشان می‌دهد. این راننده می‌گوید: «نیمی از سفرهایم در ۲۰ روز گذشته لغو شده است. مسافر دم‌دست است اما مسیر یاب قطع می‌شود. نه من راه را پیدا می‌کنم، نه مسافر صبر می‌کند». برای رانندگان تاکسی‌های اینترنتی GPS تنها یک ابزار کمکی نیست؛ بلکه «قلب تپنده» کار آنهاست. وقتی سیگنال می‌پرد، تخمین زمان سفر، محاسبه قیمت و حتی پیدا کردن کوچه‌پس‌کوچه‌ها غیرممکن می‌شود. نتیجه؟ ساعتی ۱۰۰ هزار تومان درآمد در مقابل هزینه‌های میلیونی تعمیرات و استهلاک که دیگر کفاف زندگی را نمی‌دهد.

از «جنگ ۱۲ روزه» تا «پارازیت‌های استارلینکی»

پیشینه این اختلالات به ماه‌ها قبل بازمی‌گردد. در زمان «جنگ ۱۲ روزه»، اختلالات برای مقابله با ریزبرنده‌ها و پهپادها آغاز

گزارش اجتماعی

آزمون سخت دولت

چگونه باید به دولت در ارائه آمار جان‌باختگان کمک کرد؟



فائزه مومنی

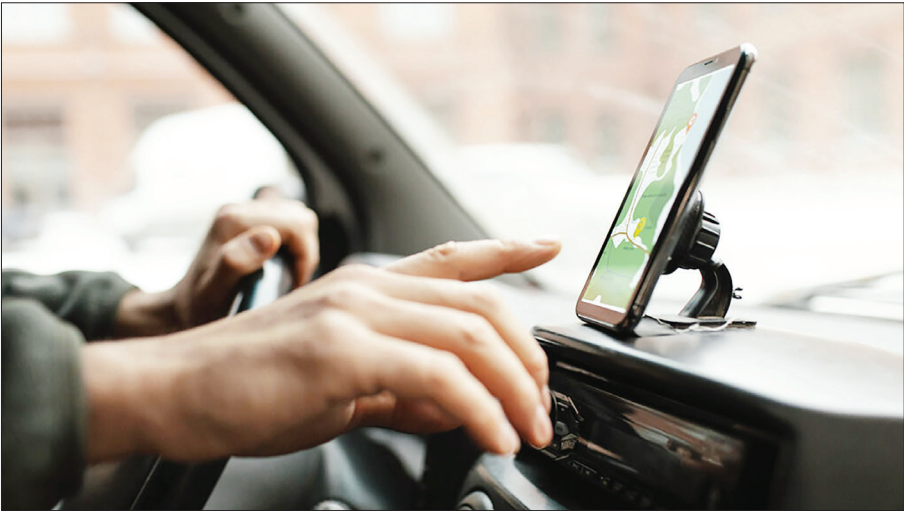
گروه اجتماعی

دستور اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، مبنی بر انتشار علنی اسامی و مشخصات جان‌باختگان حوادث تلخ دی ماه، فراتر از یک ابلاغیه اداری، گامی به‌سوی بازسازی اعتماد عمومی تلقی می‌شود. سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات دفتر رئیس‌جمهور، با اعلام خبر تدوین سازوکاری برای بررسی گزارش‌های مغایر، در پیچه‌ای را به‌سوی «حقیقت‌یابی» گشوده است. اما پرسش بنیادین اینجاست که میان آمار رسمی (۳۱۷۷ نفر) و ادعاهای شبکه‌های خارجی، چگونه می‌توان به یک روایت واحد و پذیرفتنی دست یافت؟

برای تبدیل شدن این فهرست به یک سند معتبر ملی باید سه روش استاندارد جهانی در دستورکار قرار گیرد. معتبرترین شیوه، شمارش فرد به فرد است. این روش که برگردآوری نام، سن، محل و تاریخ دقیق واقعه استوار است از طریق تقاطع داده‌های بیمارستان‌ها، آرامستان‌ها، تصاویر مستند و شبکه‌های محلی حاصل می‌شود. دولت باید اجازه دهد، نهادهای مدنی این فهرست را با واقعیت‌های میدانی و روایت خانواده‌ها تطبیق دهند. در بحران‌های گسترده، گاهی دسترسی به تمام داده‌ها غیرممکن است. در اینجا علم آمار با نمونه‌گیری از کانون‌های بحران و تعمیم آن به کل کشور یک «بازه تخمینی» ارائه می‌دهد. نکته کلیدی اینجاست که حقیقت معمولاً نه یک عدد قطعی بلکه بازه‌ای است که براساس متغیرهای محیطی استخراج می‌شود.

زمانی می‌توان به یک آمار اعتماد کرد که داده‌های رسمی دولت، گزارش‌های رسانه‌های آزاد و یافته‌های نهادهای حقوق بشری در یک نقطه به هم نزدیک شوند.

تجربه‌های جهانی، از شیلی تا سوریه، نشان داده است که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند، داور نهایی عملکرد خود باشند. برای آنکه وعده رئیس‌جمهور به سرنوشت آمارهای قبلی دچار نشود، تشکیل یک «هیأت مستقل و فراقوه‌ای» الزامی است. این هیأت نباید صرفاً از بدنه اجرایی تشکیل شود بلکه باید شامل نمایندگان جامعه مدنی، وکلای مستقل، اساتید دانشگاه و معتمدان محلی باشد. وظیفه این نهاد، فراتر از بازنشر لیست‌های اداری، «راستی‌آزمایی گزاره‌های مغایر» است. یعنی اگر خانواده‌ای مدعی شد نام عزیزش در لیست نیست، یا



مبدأ و مقصد» در اپلیکیشن‌های داخلی است. اما این راهکار هم مانند یک مسکن ضعیف برای دردی عمیق است؛ چراکه وقتی زیرساخت اصلی (سیگنال ماهواره‌ای) مخدوش باشد، هوشمندترین نقشه‌های بومی هم به تکه‌ای کاغذ دیجیتال بی‌مصرف تبدیل می‌شوند.

وعده‌هایی که راه خانه را پیدا نمی‌کنند

وزیر ارتباطات بارها وعده پیگیری و حل مشکل اختلالات GPS را داده است اما واقعیت خیابان‌ها چیز دیگری می‌گوید. رانندگان می‌گویند، این وعده‌ها هم در کنار «رفع فیلترینگ» و «فعال‌سازی eSIM» به پایگانی قول‌های فراموش شده پیوسته است. امروز، رانندگان شهر نه‌تنها با ترافیک و گرانی قطعات یدکی بلکه با «نامریی شدن» در نقشه‌ها می‌جنگند. در عصر ارتباطات، بازگشت به روش «پرسان پرسان» برای پیدا کردن یک کوچه در بن‌بست‌های تهران، نه یک انتخاب بلکه یک شکست تکنولوژیک است که تاوان آن را مستقیم از جیب رانندگان و وقت مسافران می‌پردازند.

خبر

از پرند تا قصر شیرین؛

زیر موج انفجار و حریق

در یک روز، آتش‌سوزی و انفجار در چند استان به ثبت رسید

دیروز هم‌زمان چند حادثه انفجار و آتش‌سوزی در نقاط مختلف کشور، فضای خبری ایران را تحت‌تأثیر قرار داد و نگرانی‌هایی در میان شهروندان ایجاد کرد؛ حوادثی که هر کدام منشأ متفاوتی داشت اما در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت یک موج واحد بازنشر شد. در نخستین ساعات روز شنبه، انتشار تصاویری از دود غلیظ در محدوده شهر پرند در جنوب‌غرب تهران، شایعاتی درباره وقوع انفجار به‌راه انداخت. بررسی‌های میدانی و گزارش منابع رسمی نشان داد، دود مشاهده شده ناشی از آتش‌سوزی نیزارها و پوشش گیاهی اطراف این منطقه بوده و هیچ‌گونه انفجاری رخ نداده است. مسئولان محلی اعلام کردند، آتش‌نشنان برای مهار حریق به محل اعزام شدند و شرایط تحت‌کنترل قرار گرفت. تقریباً هم‌زمان، شهرهای آبادان و خرمشهر شاهد شنیده شدن صداهای مهیب بودند. معاون استاندار و فرماندار خرمشهر در گفت‌وگو با ایرنا توضیح داد این صداهای مربوط به انفجار کنترل شده بقایای مهمات و ادوات جنگی در منطقه شلمچه و در خاک عراق بود که توسط مقامات عراقی در حال پاک‌سازی نوار مرزی صورت گرفت. وی تأکید کرد این صداهای هیچ منشأ داخلی نداشته و جای نگرانی برای مردم وجود ندارد. در بندرعباس نیز ظهر دیروز صدای انفجار در برخی محلات شنیده شد. مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان اعلام کرد این حادثه مربوط به انفجار در یک منزل مسکونی واقع در بلوار معلم بوده است. بر اساس گزارش‌ها، این انفجار در یک ساختمان ۸ طبقه رخ داده و طبقات اول و دوم بیشترین آسیب را دیده‌اند. تیم‌های آتش‌نشانی و امدادی به محل اعزام شدند و به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، یک نفر جان‌باخته و ۱۴ نفر دچار مصدومیت شده‌اند. در اهواز، حادثه‌ای تلخ‌تر رقم خورد. رئیس سازمان آتش‌نشانی این شهر از انفجار گاز در یک ساختمان چهار واحد در منطقه کیانشهر خبر داد که به تخریب چند واحد مسکونی انجامید. در جریان عملیات آواربرداری تاکنون چهار جسد از زیر آوار خارج شده و عملیات امداد با احتیاط ادامه دارد. همچنین در شهرستان قصر شیرین در استان کرمانشاه، شنیده شدن صدای انفجار موجب نگرانی شهروندان شد. فرماندار این شهرستان اعلام کرد این صداهای ناشی از برگزاری رزمایش و برنامه‌های آموزشی ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده که از پیش برنامه‌ریزی شده و اکنون به پایان رسیده است.

داستان در پلنفرم‌های دیگر مثل تپسی هم مشابه است. رانندگان از حذف طرح‌های تشویقی و افزایش کمسیون‌ها در روزهای سخت گلایه دارند. کاربری که پیش از این مغازه‌دار بوده و حالا به اجبار در تپسی کار می‌کند، می‌گوید: «مسیر یاب ۴۸ دقیقه فاصله تا مسافر را نشان می‌دهد، درحالی که من سر کوچه هستم! مسافر بلافاصله سفر را لغو می‌کند و من می‌مانم و باک بنزینی که بیهوده سوخته است».

بومی‌سازی یا مسکن‌های موقتی؟

در میانه این بحران، صحبت از کوچ به سیستم‌های جایگزین مثل «بیدو» (نسخه چینی GPS) به گوش می‌رسد. هرچند مقامات وزارت ارتباطات از توع‌بخشی به فناوری‌های ناوبری سخن می‌گویند اما مدیرعامل مسیر یاب «نشان» معتقد است، مهاجرت از GPS به سیستم‌های دیگر، یک ایده تئوریک با هزینه‌های بسیار سنگین است که به سادگی قابل اجرا نیست. در حال حاضر، تنها تدبیر اندیشیده شده، قابلیت «تنظیم دستی

به کشور وارد شده بودند، متمایز هستند و نظام حقوقی نیز باید در قبال آنها رویکردی متفاوت داشته باشد. او ادامه می‌دهد: در اینجا دولت باید با اقدامات اقتناع‌گرایانه و رویکرد اقتناعی، زمینه را برای روشنگری فراهم کند. هرچند در شرایط امنیتی، مناسبات و مراودات خاصی در کشور حاکم است و سنگینی جنگ همچنان وجود دارد اما نباید از ظرفیت‌ها و گزاره‌های اطمینان‌بخش برای شهروندان غافل شد و اعتمادی که امروز برای همبستگی ملی لازم است، نادیده گرفت.

این حقوق‌تأکید می‌کند: از این جهت، امکان‌های راستی‌آزمایی که می‌توانند در کنار افکار عمومی، زمینه روشن شدن حقیقت و ماهیت این اتفاقات را فراهم کنند، وجود دارد. به نظر من، استفاده حداکثری از نهادهای مدنی و حکمرانی همکارانه و مشارکت‌پذیر نهادهای مستقل، می‌تواند آلام جامعه را در این بخش کاهش دهد و حقایق را برای شهروندان تبیین کند؛ تا زمینه برای سوء استفاده دشمنان واقعی و غدار ایران و ایرانیان و دوقطبی‌سازی‌هایی که صرفاً منافع دشمنان ایران را تأمین می‌کند، فراهم نشود.

به گفته نقره‌کار ما باید آمارهای مراجع رسمی را در کنار رصد، تحلیل و صحت‌سنجی نهادهای مستقل و مدنی نظیر کانون‌های وکلا مورد توجه قرار دهیم؛ برای روشنگری درباره وقایعی که ممکن است برای هر کشوری در حوزه‌های مختلف رخ دهد. ما در دو مرحله تجربه دو کمیته حقیقت‌یاب ملی را داشته‌ایم: یکی درباره ساختمان پلاسکو و دیگری درباره این موارد. همچنین نمونه‌هایی مانند ساختمان متروپل در استان نیز وجود داشته که گزارش‌های کمیته‌ها، جنبه‌های روشنگرانه داشته‌اند. فکر می‌کنم این تجربه‌ها قابل تحلیل است.

درس‌های تاریخ؛ از تقلیل‌گرایی تا بزرگ‌نمایی

تاریخ معاصر جهان نمونه‌های متعددی از این چالش را در خود دارد. در اعتراضات شیلی، روایت‌های اولیه از ابعاد فاجعه بسیار فراتر از واقعیت بود که بعدها توسط نهادهای مستقل تعدیل شد. در مقابل، در بحران سوریه، دولت با کوچک‌نمایی سیستماتیک سعی در پنهان‌کاری داشت اما انتشار فهرست‌های اسمی دقیق توسط گروه‌های مدنی، ابعاد واقعی تلفات را فاش کرد. در ایران نیز عدد ۳۱۷۷ زمانی به باور عمومی تبدیل می‌شود که به‌جای یک «رقم صلب»، به «هویت‌های انسانی» تبدیل شود. هر نام در این فهرست، داستانی است که باید توسط نهادهای مستقل تأیید شود.



امیر خانی به خانه رفت

رضا امیرخانی، نویسنده و داستان‌نویس ایرانی که نیم آذرماه در پیرواز با پاراگلایدر، سقوط کرد و در پی آسیب‌های وارد شده به کها رفت و به همین دلیل در بخش مراقبت‌های ویژه یکی از بیمارستان‌های تهران بستری بود، عصر روز جمعه به خانه بازگشت. حدود دو ماهی که او در بیمارستان بستری بود، سطح هوشیاری‌اش تغییر خاصی نداشت و به گفته پزشکان، احتیاجی نبود که در بیمارستان باشد و اکنون نیز با تصمیم خانواده به خانه منتقل شد. البته در منزل تحت‌نظر پزشک و پرستاران است و شرایط محیطی برای او کنترل‌شده است.



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی

صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران
مدیرمسئول: امیر افتخاری ● سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)
محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر افتخاری
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● عکاس: رضا معطریان
ویراستار: سعیده آرین‌فر ● حروفچین: سحر خسروچردی
نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸ ، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۲۲
چاپه امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

تناقض در غرب‌ستیزی

درباره کمپین دیپورتی‌ها به وطن

در واقع این وضعیت را می‌توان «ریای سیاسی» نامید. مسئولانی هستند که در گفتار رسمی خود، غرب را به‌عنوان دشمن و منشأ مشکلات معرفی می‌کنند و از مردم می‌خواهند فشار اقتصادی، تورم مزمن، کاهش رفاه و مخاطرات سیاسی را بدون اعتراض بپذیرند اما همزمان فرزندان خود را برای زندگی و تحصیل به همان جوامع غربی می‌فرستند. این دوگانه صرفاً یک تناقض اخلاقی نیست- نشانه‌ای از بحران اعتماد و فرسایش مقبولیت سیاسی است. اعتماد به همین سادگی از بین می‌رود و تنها زمانی پایدار می‌ماند که میان «آنچه گفته می‌شود» و «آنچه زیسته می‌شود» هم‌خوانی وجود داشته باشد. وقتی این هم‌خوانی از میان می‌رود، باور عمومی به صداقت، رفتار و گفتار مسئولان و سیاستمداران تضعیف می‌شود. در نهایت، مسئله اصلی نه اخراج فرزندان مسئولان است و نه اقامت آنان در غرب؛ مسئله، بازسازی اعتماد عمومی است. اعتمادی که بدون پاسخ دادن به این شکاف ساختاری میان گفتار رسمی و زیست واقعی به سختی ترمیم خواهد شد.

در هفته‌های اخیر، کارزارهایی در فضای عمومی شکل گرفته که خواستار پایان حضور فرزندان و اعضای خانواده برخی مسئولان و چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی در کشورهای غربی است. امضاکنندگان این کارزارها از دولت‌های غربی می‌خواهند، مزایای اقامتی این افراد را لغو و آنان را به ایران بازگردانند. همزمان گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد در ایالات متحده نیز بحث‌هایی درباره محدودسازی یا لغو برخی امتیازات برای خانواده مقامات ایرانی در جریان است. وزارت خارجه آمریکا نیز در موضعی رسمی اعلام کرده است که بررسی‌هایی در این زمینه انجام خواهد شد. طرح این مطالبه، پدیده‌ای تازه نیست. سال‌هاست افکار عمومی ایران درباره حضور فرزندان مسئولان و سیاستمداران فعلی و سابق ایران در آمریکا و اروپا سخن می‌گویند و هر از گاهی فهرست‌هایی از نام‌ها و کشورها منتشر می‌شود. مسئله اصلی اما نه اشخاص مشخص بلکه یک الگوی ساختاری است که از شکاف میان زیست خصوصی مسئولان و زیست عمومی جامعه پرده برمی‌دارد.

استناد به جمله هیتلر

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به شبکه سی‌ان‌ان ترک گفته هیتلر نظریه مشهوری دارد که «دروغ خیلی بزرگ بگویند تا راحت باور کنند»، متأسفانه هرچه دروغ را بزرگ‌تر کنند، اثرگذارتر می‌شود. گاهی می‌گویند «۲۰ هزار تا ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند» که همه اینها دروغ است. شمار کشته‌ها طبق اعلام رسمی ۳۱۱۷ نفر است. اگر می‌خواهند حتی یک نفر را به فرست اضافه کنند، بیایند و ارائه دهند. وزیر امور خارجه ایران درباره تهدیدهای نظامی جاری گفته: اکنون موشک‌های بالستیک ما در جای خود هستند، توان ما برقرار است، نقاط قوت خود را بازبینی کرده‌ایم و با قدرت بیشتری آماده‌ایم و این روشن‌ترین پیامی است که می‌توانیم به آمریکا بدهیم که اگر حملات صورت گیرد قطعاً پاسخی شوک‌آورو بسیار قدرتمند خواهیم داد. ایران خواهان جنگ فراگیر در منطقه نیست اما برای هر سناریویی آمادگی کامل دارد. ایالات متحده تلاش می‌کند از طریق کشورهای ثالث با تهران تماس برقرار کند اما مذاکرات نمی‌تواند به‌صورت «تجلیلی» انجام شود و بدون احترام متقابل و شرایط برابر، توافقی عادلانه‌ای شکل نمی‌گیرد.

به من گفت حرف مفت نزن!

اما آنچه آقای مصباحی حاضر نیست بپذیرد، واقعیتی روشن‌تر از این روایت احساسی است. گره زدن اعتراضات اجتماعی به حذف ارز ترجیحی اشتباه است. اعتراضات مردم سال‌هاست که وجود دارد و پیش از حذف ارز ترجیحی هم نمودهای آن را دیده بودیم. پس نمی‌توان آن را به یک تصمیم اقتصادی خاص تقلیل داد. مردم سال‌هاست نسبت به وضعیت معیشتی، تبعیض، فساد و انسداد سیاسی معترض هستند. ارز ترجیحی نه عامل اصلی اعتراضات بلکه خود بخشی از مسئله بود؛ سازوکاری که راه رانت را باز کرد و فساد را عمیق‌تر و گسترده‌تر ساخت. مسئله این نیست که چرا ارز ترجیحی حذف شد بلکه این است که چرا دیر حذف شد و چرا همزمان، سازوکارهای جبرانی شفاف و مؤثر برای مردم طراحی نشد. بستن مسیر رانت و فساد، ضرورتی بود که باید زودتر و با شجاعت بیشتری انجام می‌شد. نادیده گرفتن این واقعیت، پاک کردن صورت مسئله است.

حسین مصباحی، نماینده مجلس، در جلسه‌ای دانشجویی با سخنان احساسی از ارز ترجیحی دفاع کرد و حذف آن را به اعتراضات اجتماعی گره زد. او صریحاً رئیس‌جمهور و رئیس مجلس را خطاب قرار داد و گفته «آقای رئیس‌جمهور، تو مقصری! آقای رئیس مجلس، تو مقصری! باید پاسخگوی خون ریخته شده جوانان وطن، مردم و شهدای کشور باشید». مصباحی در ادامه با یادآوری اعتراض خود به حذف ارز ترجیحی گفت: پس از اعتراضات به هیأت‌رئیس مجلس رفته و با رئیس مجلس صحبت کردم به او گفتم من چقدر به شما گفتم دیدید چه وضعی ارائه افتاد؟ این چه رانتی است که شما حذف کردید؟ مرغ شد ۲۵ هزار تومان، روغن سه برابر شد. او در ادامه مدعی شد که از سوی رئیس مجلس پاسخ شنیده «من این کار را کردم، با افتخار پشتش می‌ایستم و تا انتها می‌روم». مصباحی درواکنش گفته است: «پس مردم چی؟» و با پاسخ تند مواجه شده که: «حرف مفت نزن، مزخرف نگو».

خواندنی‌ها

ادعای مکان اورانیوم غنی شده ایران

سایت عصر ایران نوشت آسوشیدپرس مدعی شده است ایران تونل‌های هسته‌ای خود در اصفهان را زیر لایه‌های جدیدی از خاک دفن کرده است. ورودی مرکزی کاملاً مهر و موم شده و ورودی جنوبی با خاک اضافی برای محافظت از ۶۸ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با غنای بالا، نزدیک به سطح تسلیحاتی تقویت شده است. مهندسان از بتن فوق مقاوم برای تقویت تونل‌های عمیق بیش از ۱۰۰ متر که از جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵ جان سالم به‌در بردند، استفاده می‌کنند. یک سازه روی زمین برای سانسئرفیوزها لویاره فعال شد. سایت کوک‌کلنگ در نزدیکی نطنز همچنان به گسترش مخفیانه خود ادامه می‌دهد.

خبرگزاری روسی و سناریوهای آمریکایی

تاس بزرگترین خبرگزاری کشور روسیه نوشت: یکی از سناریوهای در دست بررسی، اعزام مخفیانه نیروهای ویژه آمریکا برای انجام یا از کار انداختن تأسیسات هسته‌ای ایران است که در حملات آمریکا در ژوئن ۲۰۲۵ هدف قرار نگرفته‌اند. ترامپ در حال بررسی مجموعه‌ای از سناریوهای نظامی علیه ایران است که از سوی پنتاگون پیشنهاد شده‌اند؛ از جمله عملیات

سوال اکونومیست درباره آینده ایران

که در گذشته نهاد اصلاح‌طلبی، اعتراض مدنی یا تغییر تدریجی بودند عملاً به حاشیه رانده شده‌اند و فضای مسلط، فضای خشم، انتقام و نفرت است. اکونومیست همچنین به بحران اقتصادی به‌عنوان سوخت اصلی این خشونت اشاره می‌کند. قطع اینترنت از بین رفتن اقتصاد دیجیتال، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها و سقوط ارزش پول ملی، وضعیتی ساخته که بخش بزرگی از جامعه هیچ افق مسالمت‌آمیزی برای آینده نمی‌بیند. در پایان، اکونومیست نقش ترامپ و تمرکز نظامی آمریکا در اطراف ایران را عامل بیش‌بینی ناپذیر ایسن معادله می‌داند. به باور پلهام پس از مداخله نظامی آمریکا در ایران، تضمینی وجود ندارد که کشور وارد جنگ داخلی نشود. جمع‌بندی نیکولاس پلهام این است که حتی با مداخله خارجی نیز چشم‌انداز روشنی از آینده وجود ندارد. ایران، از نگاه این تحلیلگر، روی «بشکه باروت» نشسته است.

یادکست تحلیلی The Intelligence از نشریه اکونومیست در گفت‌وگویی با نیکولاس پلهام، خبرنگار خاورمیانه این نشریه، تلاش می‌کند تا تصویری تیره از وضعیت کنونی ایران ترسیم کند که کشور عملاً وارد مرحله‌ای از «جنگ داخلی خاموش» شده است. به روایت پلهام، اگرچه در ظاهر خیابان‌ها آرام شده و مغازه‌ها دوباره باز شده‌اند اما فضای عمومی ایران آکنده از سوگ و خشونت فروخورده است.

اکونومیست موج جدید اعتراضات را به‌مراتب خشن‌تر از دوره‌های پیشین روایت می‌کند و به گزارش‌هایی از حمله برخی معترضان با سلاح سرد به نیروهای بسیج، آتش زدن بانک‌ها، مراکز تجاری و مساجد اشاره می‌کند. به باور پلهام نهادهای حکومتی به‌طور هدفمند تخریب می‌شوند و در مقابل، بر خورر با معترضان نیز بی سابقه توصیف می‌شود. به همین دلیل، به باور او، چهره‌هایی

جنوبی پس از آنکه در حساب‌های رسمی شبکه‌های اجتماعی اسرائیل را متهم کرد که مکرراً به سیریل رامافوزا، رئیس‌جمهور آفریقایی جنوبی توهین می‌کنند، از دیپلمات اسرائیلی خواست خاکش را ترک کنند. بیانیه وزارت خارجه آفریقایی جنوبی آرئل سیدمن، دیپلمات اسرائیلی را «عنصر نامطلوب» خوانده و او را به «نقض غیرقابل قبول هنجارها و اقدامات دیپلماتیک» متهم کرده است.

فروش سلاح آمریکایی در اوج تنش

دولت ترامپ، در میانه جنگ روانی با ایران و اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس، چند معامله تسلیحاتی چند میلیارد دلاری با اسرائیل و عربستان سعودی انجام داد. دولت آمریکا با فروش بیش از ۷۵ میلیارد دلار سلاح به اسرائیل موافقت کرده همچنین فروش تسلیحاتی را به ارزش ۹ میلیارد دلار به عربستان سعودی تصویب کرد. به گفته وزارت خارجه آمریکا، نزدیک به ۵ میلیارد دلار از تسلیحاتی که قرار است به اسرائیل فروخته شود برای ۲۰ فروند هلی کوپتر تهاجمی آچایی است. پنتاگون گفته، فروش تسلیحات به عربستان نیز شامل بیش از هفتصد موشک پاتریوت و تجهیزات مرتبط به آن است.

خارجی که حاضر نیستند قوانین کشور را رعایت کنند، بسته شون. مثلاً ارسال پیامک از سوی آنها باید مسدود شود».

الیگارشی اقتصادی

مجیدرضا حریری در هبایش «عدالت، معیشت، ایران»: از دهه ۸۰ الیگارشی‌ها زیرساخت‌های حاکمیتی و رسانه‌ها را دست خود گرفتند، وزیر تعیین می‌کنند و دولت‌ها را در جهت منافع خود هدایت می‌کنند. رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین با انتقاد از وضعیت حکمرانی اقتصادی کشور افزود: امروز با پدیده‌ای به‌نام بی حاکمیتی اقتصادی مواجه هستیم؛ شرایطی که در آن ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی از دست دولت خارج شده و در اختیار الیگارشی اقتصادی قرار گرفته است و همین مسئله، ریشه بسیاری از بحران‌های معیشتی، اجتماعی و سیاسی سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود.

اخراج سفیر اسرائیل از آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی، دیپلمات ارشد اسرائیلی را اخراج می‌کند. آفریقای جنوبی به دیپلمات ارشد اسرائیل در آن کشور ۳۰ ساعت فرصت داده که خاک آفریقایی جنوبی را ترک کند. آفریقای

یورش و مأموریت‌های نیروهای ویژه با این حال، او همچنان گزینه‌های دیپلماتیک و مذاکره با تهران را نیز منتفی ندانسته است. این خبر گزارشی روسیه به نقل از روزنامه نیویورکتایمز نوشته پریسکترین سناریو، اعزام مخفیانه نیروهای ویژه برای تخریب یا از کار انداختن سایت‌های هسته‌ای ایران است. گزینه دیگر، اجرای مجموعه‌ای از حملات علیه تأسیسات است- حملاتی که هدف آن ایجاد آشوب داخلی و هموار کردن مسیر برای تغییر قدرت عنوان شده است.

صاحب «گپ» در انگلستان زندگی می‌کند

روزنامه گاردین افشا کرد که مهدی انجیدینی و برادرش که صاحبان پیام‌رسان داخلی «گپ» هستند، در انگلستان زندگی می‌کنند. مهدی و هادی انجیدینی یک شاخه از شرکت ایرانی پیام‌رسان گپ را به‌نام «تی اس اینفورمیشن» در بریتانیا هم ثبت کرده‌اند. انجیدینی صاحب ویراستی (Virasty) هم هست که در واقع هدف از راه‌اندازی این سایت شکلی از تویتر/ایکس ایرانی بود. مهدی انجیدینی که از مدافعان فیلتر ابلیکیشن‌های خارجی مانند واتس‌آپ و تلگرام و اینستاگرام و... است به صداوسیما گفته بود: «باید مسیر احراز هویت پیام‌رسان‌های